

به مسلمانان ما نداشته همه روسها نیز در این حالت هستند من امروز برخی ستمکارها را با شرح و تفصیل بیان خواهم کرد که اقوام روس در آن مظالم اشتراك دارند. سه چیز است که در نزد هر ملت مقدس و محترم هستند، نخست زبان آن ملت دوم عادت سیم آزادی دبستانها. در حالیکه هر حکومت عاقل از عکس این سه چیز توفی میکند حکومت روس زبان و ادبیات و عادات بحق ما را میکشد و دبستانهای ما را می بندد.

آقایان. ما این چهار را بواسطه زبان خودمان شناختیم. در بر تو زبان خودمان پرورش یافته و تربیت شدیم. همه چیز را در دبستان ما بازبان خودمان یاد گرفتیم. معنای ادب و تربیت را از بلاغت لسان خودمان تحصیل کردیم. و حالانکه روسیه به لسان مقدس ما متعرض میشود.

از شما اجازه میخواهم که از کرتارهای مظالم برادران مسلمان خودم خواهم گنت چون یکی از اعضای مسلمانها که بالای کرسی خطابت میرود به شمردن مظالم تحملش نمانده و صبرش تمام میشود این است که امروز من به این کرسی نشتم و از شما خواهشمندم سخنان مرا با گوش جان شنفته و حرفهای مرا قطع نکنید بویژه در این خصوص از فرقه حکومت مساعدت میخواهم.

(چهار کرده اند)

اولا اگر من اسباب اعتسافات حکومت را که در حق مسلمانان اتحاد نموده اند و وسائل مظالم که در این مدت یکسال آن ها گرفتار شده اند بشمارم در مدت یکسال از شمردن آن عاجز خواهم شد لذا آن هایکه مهم و دلسوز است ذکر خواهم نمود.

حسن صبری افندی که در موسقووا در مسجد لازروسکی معلم ترکی بود از شرف نظیمه گرفته و بزندان انداخته و بخارج مملکت نفی شد. و اوراق ملا عبدالله و ملا عالم جانی تفتیش گردیده کتابها و همه آثارش ضبط و خودش بقریه (بوی) تابع ولایت و قاتکا برده و حبس شد. و بخانه های آقایان عبدالله و عبدالله و نه نفر مدرس دیگر هجوم آورده پانصد جلد کتاب دینی مصادره شد.

در این بین رئیس مجلس اعتراض نموده و گفت خواهش دارم بحسابات طول ندهید جناب رئیس مساعدت نمی فرمایند که بیان معلومات تمام و حال آنکه من به ذکر وقوعات مبهمه اکتفا مینمایم. در

این حالت حایه فقط همان تفاق و شقاق و خصومات و اختلافات داخلی و جنگ های خانگی است که در این چند ساله بعنوان مختلفه فیما بین خبیات ملت واقع و عساکر اجنبی به بهانه عدم امنیت به مملکت وارد نموده اسلامیت و استقلال ابرایش را بورطه هلاکت انداخته بدی است با بقای مملکت باین حیات عرج و مرج حایه دولت شیعه انا عشریه العیاد بالله فال و منقرض بلکه بیضه اسلام محروم و نابود خواهد گردید بدین جهت این خادمان شریعت مطهره که محض حفظ اسلام در تنبه مقدسه کاظمیه علی مشرفها افضل صنوات و نوره مجتمع هستیم این حکم الهی عزاسمه را بتوسط آقایان علماء اعلام بلاد محروسه بموم برادران دینی خودمان ابلاغ میداریم امروز ترک خصومات و جنگ های خانگی و تمام اهتمام در امنیت کامله در تمام مملکت متوقف علیه حفظ اسلام و بر هر مسلمانی از اهم فرائض اسلامیه است. انا تفاق و شقاق و منافیات امنیت عمومیه موجب ذهاب اسلام و از اعظم منکرات اسلامیه و هدر دادن زحمات حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است و کمال جد و جهد در انتظام امور مسلمین از اهم شرائط مسلمان است (من اصبح ولم یرقم بامور المسلمین فلیس بمسلم) و واضح است که بدون قوه و شوکت دولت نامین بلاد و تسکین مملکت مجال و رفع تشبثات اجتناب نخواهد شد و انشاء الله تعالی بوسیده اتحاد که ملیه و بر قراری امنیت عمومیه اسلامیت و استقلال مملکت محفوظ و دولت هم برفع منکرات شرعیه و منافیات اسلامیه و منکرات ملیه بصوریکه وعده فرموده اند مقتدر و موفق و در جلب قلوب و با داش زحمات و خدمات قاذبن ملت بذل عنایت کامله خواهند فرمود انشاء الله تعالی والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

عبدالله مازندرانی - آیت الله زاده خراسانی - اسمعیل ابن صدر الدین - شیخ الشریعه استنبانی - مصطفی الحسینی کاشانی شفی - محمد حسین حائری مازندرانی - ترجمه بتفق صدر الدین بیک مقصود اف (در مجلس دومای روس)

ای اعضای محرم: چون وزیر داخله از شیونات داخله صحبت فرمودند منم امروز از گرفتاریهای مسلمانان بشا خواهم گنت که دچار مظالم شده اند نا خواهید گنت که این مظالم اختصاص

ظرف یکسال یکصد و پنجاه خانه مسلمان تفتیش و هفتاد مکتب بسته و خدلی روزنامه و رساله‌ها تعطیل و در ترکستان در شهر (کوکار) بامر حکومت بیست باب مکتب مسدود و مسلمین رانده شدند و بستایکه در قریه ارسایم تابع ولایت (سارا) بود معطل و در (پتروپاولوسکی) مکتب من افندی مشهور و در شهر قازان در اتصال مسجد مکتب ۱۷ مع مسدود و معلمین آن‌ها که بالغ به پیتنفر بودند بیرون و در ولایت اورفا در شهر مرالا کتبخانه سادات و در شهر قزان جای خانه های اورنگ و کارکوف اسلام بسته شده .

چون رئیس آوزو میفرمایند که مختصر بگویم منم مهمربن آنها را اظهار کرده و میگویم که در شهر باد کویه روزنامه‌های (کوش - آفتاب) و هلال و ملومات تعطیل و روز نامه وقت در یکسال به جزای هشتصد منات و حراند صدا و ملومات منطقه باد کویه بخزای نقدی دیگر متلاش شدند. یکصد و پنجاه نفر به عقوبت حکومت گرفتار مکتب و او جاقهای دانش و بیانش مسدود در خوفند بقدر بیست باب مکتب بامر حکومت بسته و در قصبه (اوش) محمدامین مدرس از تدریس و دریاچه سرای مغازه کتاب علی ناز بنیف از تجارت شده و در شهر آلتا برای تجدید مکتب رخصت داده شده و در شهر ساریچین احسانوف و بانغالبعوف از تدریس منع و در شهر قزان از مدرسین مدرسه محمدیه مطین ، شرف ، زیروف و در توش در مکتب دختران نفیسه قازاقوا و در نمکان از تدریس صنعت حسین ما قایف منع و جمعیت خبیره در اژدر خان و مشکی وسیمیر مسدود گشت .

آقایان چون رئیس اجازه نمیدهند منم یکصد از مظالمی که در روسیه واقع شده است عرض نموده نطق جناب صدرالدین مقصود اوف خدلی طولانی بود ما بمناسبت عدم وقت برخی مهمربن آنها که راجع بحقایق ریاضیه بود نوشته و مینویسم که سیاست داخلی روس معلوم بشود اگر از دور و نزدیک همه میدانند که حکومت روس خواه در کشور خود و خواه در بلاد دیگر چه اندازه باضمحلال عالم اسلام میکوشد من کن ندارم در این قرن بیستم یکفرقه از قوم صلیب به اندازه

حکومت روس دشمن قرآنیان بوده باشد و در این دو سال اخیر ماهیت و انسانیت و مقصود قاب حکومت مذکور از آفتاب روشنتر شده خواه در ایران بویژه در تبریز و خواه در باقان و خواه در اتفاق با ایتالیانها در مسئله اربابلس پرستار ضرب و خواه ائتلاف باروس پرستان نموده و هرچه کرده و بعد ازین هم هرچه خواهد کرد جز از تخریب بنیان اسلامیت نخواهد شد قوم انگلیس که خود شانرا اولین آزادی خواه و متمدن و با دانش میداند کوبا هنوز ملتت شده اند که ازین ائتلاف ۱۹۰۷ چه سود برده و چه خواهند بود (سرادوردغری) حضرت وزیر خارجه که امروز رشته بوتیث بلکه روح سیاست چندین صد ملیون مسلمانان در کف کایت اوست وقتیکه بگوید « اگر استقلال همه ایران هم برآز نمی ارزد که یک نفر سرز انگلیسی در آن سرزین تاف بشود » دیگر چرا ما از روسیه این اندازه گله داریم من می گویم و حق هم ندارم بگویم که چرا دولت انگلیس برای خاطر ما ملت فلک زده و نادان و خود پرست و خودستا موازه سیاسی خودرا با دول دیگر مختل نماید فقط همین قدر باید بگویم که افلا مملکت (بی صاحب) ایرانرا در جای یک دیوار همسایه محسوب داشته اگر تعهیر هم نکند لامحاله به تخریبش به بردزد زبرد آحر خودش زبان خواهد زد و زمان خواهد گذشت که ازین حکومت شمالی در سرراهندوستان جلوگیری نمیتواند بکند استقلال ایران ما هر نقطه چشمی که منظور بشود برای حکومت انگلیس الزم است خلاصه مقصود چند کلمه تأیید جناب مقصود اوف بود که میخواستم از وضع حالیه داخلی روسیه عرض کنم . ملاحظاتی که در حکم امروز ما میباشد احوال داخلی روس رفته رفته بدر و مختل شده و اختلال این دفعه را نمیتوان بسنوات سابق قیاس نمود عصیان عسکری که در زره بوش (سزارویچ) بظهور رسیده است و مسئله توقیف و حبس آزادی خواهان بواسطه بوابهای خفیه و قتل سبصد نفر صاحبان افکار منوره شاگردان دارالفنون و ملاحظاتی که بکنتر روس از فرقه (بان اسلاویست) به غیر (نیوورینیا) اظهار داشته همه اینها دلالت دارد براینکه این

گرمی مشغول شدند که عمل همه این اشله آت در سال ۱۹۱۴ انجام خواهد گرفت ، هیچ شبه برادر نبود که دست با جمع کردن روسیه جز از اعاده موقع خود در شرق چیز دیگر نبود، چنانکه روسیه از یکسمت کار بیکرد ایتالیه هم بیکار نبود، ایتالیه هم با فرانسه و هم با انگلزه دوستها و ائتلافها عقد نمود که بالاخره موسیو ده برتیس گنفت (که دیگر وضع و حال ایتالی در خشکی و از دریا آسوده شد) چیزیکه ایتالیه را به فرانسه نزدیک نمود نخست منافع اکونومیکیه شد ، ایتالیه که روز بروز دامنش بیشتر میشد برای استخلاص منقعت خودش بسمت فرانسه شناییده و بد این همه ترها با منافع سیاسیة اینکه حکومت فرانسه بطرابلس ضرب دست نزد نتیجه گرفت ، و سبب تقرب ایتالی بروسیه مسئله بوسنه و هرسک که در سال ۱۹۰۸ بظهور رسید شد ،

روسیه میخواهد به پوتیک شرق گرمیتی بدهد حکومت ایتالی هم که در نخست جنگ بی طرفی خودشرا در مسئله شرق اعلان کرده بود آرزوی این را دارد و قطع نظر از طرابلس و غیره ، که خود را پوتیک شرق عامل قرار بدهد و در گاهیست که فراهم آوردن اسباب این آرزو اقدام نمود. اگر اندکی ناتوانی به اوستریا رو نماید آنگاه ایتالیه آشکار و بهر طرف پوتیک شرق خواهد شنایید، بعقیده ما فرانسه ها میخواهند بدانند که ایتالیاها تا کجا میخواهند با روسها همراه بشوند و زمان گذشته مینمایند که فرانسه ها بدانند این مسئله احتیاج دارند زیرا حکومت روس اقدامات شرقی خودرا از فرانسه ها پنهان مبادارد ، در زمان الحاق بوسنه و هرسک کسی نمیدانست که کجا خبردار هستند و حال آنکه وقتیکه اوستریا قرار به الحاق آن دو موقع داد از مجاوبه بین موسیو ایزو ولسکی وقوت ارسنال معلوم شد که روسیه هم از مسئله مذکور مسبوق بود و فرانسه پس از دیدگاه آشنای این حقیقت گردید، حالا فرانسه با یادآوری آن زمان مجبور است بهر بداند که تصورات ایتالی و روسیه عبارت از چیست ، از حالا تعین نمودن اینکه این پوتیک تا کجا خواهد کشید و فرانسه را چگونه تمهیدات فرو خواهد برد یکی از مسائل

مرتبه حکومت منبده روس مغلوب عالم انسانیت شده و برای (فزندیه) هم حصه مری سوا خواهد نمود

نقل از روزنامه افتتاح

(روسیه و فرانسه و شرق)

رفتن موسیو (بوتقار) به پرسبورغ و نفاطی افکار نمودن مشارالیه در حق پوتیک روس و فرانس در هر صورت یکی از حادثات مهم شمرده میشود ، پس معلوم میگردد که منزولی موسیو (لوتی) از سنارت پرسبورغ بنسبت از کار عقب کشیدن مشارالیه نبوده است ، عجا رفتن رئیس وکلای فرانسه تا پرسبورغ از چه ملزوم افتاده است ؛ برای ما فهمیدن این مسئله که هنوز مابیتش آشکار نشده از الزم است و هیچ شبه ندارد که با ملاحظه نتیجه کار قسم اعظم این مسئله چنانچه است. اگر نظری بوقوعات اخیر بشود احتیاج این دو ملاقات محقق میگردد ،

در سال ۱۷۰۹ در نخست ماه کانون اول که امپراطور روس به کشور ایتالی رفت برخی از مسائل سیاسی که مطرح و موضوع بحث بود مسئله شرق بود ، روسیه و ایتالی در اسباب توحید افکار نمودند و لهذا وزیر خارجه فرانسه موسیو پیشون و وزیر خارجه روس موسیو ایزوولسکی با یکدیگر سخن رانده مذاکره فی مابین ایتالی و روسیه را تبلیغ و تبلیغ کردند و ازینرو دولت فرانسه مناسبات خودشرا باحکومت ایتالی خوبتر نمود زیرا مناسبات متفق خودش (روسیه) هم با ایتالی خیلی صمیمت پیدا کرده بود ،

از جهة هزیمت مانچوری فرانسه ها از اتفاق منعده روس بشبه افتادند که در آتی بکار نخواهد خورد، حتی امپراطور آلمان بملاحظه اینکه بی پروائی خودشرا در مقابل اتفاق روس و فرانس بنماید در (ضجه) بیانات شدیدالآل اظهار نمود ، روسها نیز بملاحظه اینکه هم خودشانرا نگاهداری کرده و هم یک عامل برزور بودن خودشانرا بجمعیات دوله اوروب ثابت نمایند در پروگرام سال ۱۹۱۴ به تحکیم قوه بحری آغاز نمودند ، در بحر بالطق جز از کشتیهای دیگر چهار دستگاه دره دنوت و در بحر سیاه هم به ساختن سه چهار دره دنوت دیگر باکمال

منافع خودش که در شرق بر قابت افتاده بسبب منافع ایتالی بدرجه دوم و سیم پایین بیاید ، ما مطمئن هستیم که فرانسه به متنفذین و مؤتلفین خودش این حقیقت را خواهد فهمید ،

مترجم آصف

ترجمه از روزنامه نیویورک

(منطبعة پترسبرگ)

(روسیه و انگلیس و افغان)

افکار عمومی انگلستان بنسبت احتمالی که در شرق جنوبی افغانستان بظهور رسیده گرفتار اندیشه شده است ، علاوه بر اینکه مطالبات اهالی یکتقطعه که از ظلم حاکم شهر بامیرافغان بموقع اجرای گذارده نشده بجا کم مذکور هم صلاحیت وسیع استبدادیه داده شده و کسانی که در ضد او بودند مجازاتهای سخت برای آنها تحمیل کرده اند ، لهذا اهالی شرق جنوبی افغانستان مجبور به عصیان شده اند ، روزنامه طمس قویه نفوذ امیر افغان را از جهت منافع انگلیس شمرده و نمیتواند در مقابل هزیمتهائی که امیر دچار شده بی قید بماند - حکومت انگلستان برای اجرای نفوذ و غلبه اهالی افغان باستعمال هر گونه وسایل مساعدت مینماید

در میان حدود روسیه و ممالک آسیائی انگلیس کوهستان ها و دشتهای سخت البرور موجود است بنا علیه از روسیه بسر زمین هندوستان قشون فرستادن از دایره امکان خارج است مگر این که روسیه منها درجه مجبور مانده و اقدام برین عمل نماید ، از این رو مبدیاتی که رجال دولت انگلیس در خصوص مصونیت هندوستان آورده و خواطر جمع باشند ، و حال آنکه انگلیس ها نه تنها حدود غرب شمالی هند را محکم نموده بلکه افغانستان را سراپا مسلح داشته اند ، و آنها چندین میلیون ها در این باب صرف و نفوذ خودشان را در افغانستان قویه نموده اند

گاهی که انگلیسها روسیه را بدشمن خود می پنداشتند این گونه سیئاترا تصاق کرده بودند امروز با همه اینکه در حق روسها افسکوشان تبدیل یافته باز شعبده کهنه افغانستان (وظیفه نگاهداری) با برجا شده است ، افغانستان مانند یکقسم هندوستان است امروز هرگونه آشوبی که در داخل افغانستان

لازمه است ، فرانسه در خصوص حدود طرابلس غرب یعنی در سال ۱۹۰۱ هنگام نایش مهربانی به ایتالی احتمال میدهد بر اینکه روزی خواهد رسید که ایتالی بترابلس غرب رفته بضبط آنجا اقدام خواهد نمود ، چونکه میدید که طرابلس غرب صاحبی دارد و همچنین کان میبکورد تجاوز ایتالی لامحاله وقت خواهد شد که مسئله شرق بالعموم ظهور خواهد نمود لهذا میتوان گفت که در حکم امروز فرانسه ها دو مقابل دو کار در مانده آمال حقیقیه متنفذین و یا مؤتلفین خودشانرا در وقتش نتوانسته اند بی ببرند یکی از اینها مسئله بوسنه و هرسک که بطرف روسیه راجع و دیگری مسئله طرابلس غرب است ، البته فرانسه بهتر میداند که این زمان خوب نیست ، حالا فرانسه نمیتواند از یکطرف به قرب آلمان ، انگلستان ، و از یکطرف به مدستی روس و ایتالی بکارهای شرق ازدور تماشاچی بشود زیرا فرانسه را یک بولتیک طبیعی و ملی برای شرق از دیگره هست که ترک نمودن در دست فرانسه نیست دولت عثمانیه هم نسبت بفرانسه ها از زمان قدیم در یک معامنه مستنسا بوده در معاهدات منقده خودش که با فرانسه ها دارد میگوید ،

(سزای فرانسه که به آستانه سعادت آشیانه مقیم میشوند و قتیکه به دیوان بلند ایوان نزد وزیرای عظام و مشیران ذوی الاحترام میآیند بسزای آسیایه و فرستادگان سایر پادشاهان بموجب داب دیرین تقدم و تصدیر مینمایند ، ، و بالیوز های آنها نیز در بندرات به بالیوز های سایر پادشاهان مانند سزای خودشان تقدم و تصدیر مینمایند)

ازین عبارات معلوم میشود که دولت عثمانیه با چه نظر احرام بدولت فرانسه نگاه کرده است ما بکان نداریم در مقابل ایهمه معاهدات که نامق حسابات محبت است دولت فرانسه که در شرق دو صاحب موقی است عثمانیها را در مقابل برخی بولتیکهای شبه دار ترک نماید و علاوه بر این بولتیک فرانسه ایدا نمیتواند مساعدت بکند بر اینکه دولت ایتالی که هنوز تشکلاتش جدید است در کار های شرق بیشتر بجلو برود ، فرانسه نمیتواند بملاحظه اینکه ایتالی را بکرواند خودشرا بازبجه او قرار بدهد ، و دیپلوماسی فرانسه واضی نمیتواند شد بر اینکه

و آنکه دیپلماتهای انگلیز است بهمان ائتلافنامه استناد کرده موافق منافع انگلزه حرکت نمودند از این رو نیابت آنها را اتمام نمود.

اگر دیپلماتهای روس و طسایف مارا در ایران خوبتر معین کرده بودند دیپلماتهای انگلیز در جلو ما اینطور معامله نمی نمودند و هر وقت وزیر خارجه روس منافع روسیه را موافق افکار عمومی مدافعه میکرد لابد نائل موفقیت میشد از آنجمله مسئله (اشتوک و شوسنر) است

اما انگلیزها البته بهر تقدیر میکنند صداقت مقتضیه را که در مقابل وظیفه متعهد بکار برده شد. و نمیتوان بجای و محقق دید این را که دیپلماتهای انگلیس بیشتر از خود دیپلماتهای روس روسی بشود!

(حبل المتین)

رقابت شرقیه روس و انگلیس محال است مرتفع گردد نهایت چند صباحی از روی پاتیک میخواستند گول یکدیگر زنند و اسم اتحاد و تحدید حدودی روی خود میگذارند ولی در عین اتحاد اتحاد آنها نایره رقابتشان شعله ور است چیزیکه هست بواسطه عدم دانش ما در این نیرنگ بازی بلتیکی بجای اینکه فایده برگیریم نقصان می بریم چنانچه در این چند ماهه اخیره چه نقصانات عظیمه برده ایم و هنوز هم این نتوانیم بود از نقصانات آینده همان رقابت روس و انگلیس است يك روز مجلس را تشکیل میدهد و روز دیگر بمبارد میباشد يك مرتبه ملتیان طهران را فتح میکنند دفعه دیگر محمد علی طهران میآید و مجلس مرتفع میشود اینها همه بازی های سیاست روس و انگلیس است که نهایت بدست جنس ایرانی اجرا میگردد اینک که مجدداً ملاقات امپراطورین روس و آلمان موضوع بحث آمده گویا يك انقلاب عظیمی باز در وسط آسیای صغیر پیش آید ولی چون قلوب صافیه و سنخواه و کله های با سیاست در ایران نمی شناسیم تصور نمیکندیم که هر پیش آمد مساعدی هم برای ما پیش آید نتوانیم از آن فایده برگیریم چنانچه تا امروز نگرفته ایم فقط يك امیدی آهم ضعیف برای ما باقی مانده که شاید در این مسافرت والا حضرت ناصر الملک نایب السلطنه بتواند تحصیل فایده برای ایران بنماید

بظهور میرسد بافکار عمومی انگلزه تأثیر می نماید، انگلزه مجدلاتیکه در میان اهالی و امیر افغان ظاهر میگردد آن را از اوورات داخلی شمرده قاعده عدم مداخله را مرعی میدارند، حتی شورشهای داخلی ولو که در ضد استبداد و دوراه آزادی هم باشد انگلیزمارا متأثر نمیکند دراندن هم کومیتته که این بیهودگی را برهتست بکنند موجود نیست -

اما انگلیزها محتاج حریت بودن اقوام مختلفه ساکنین ایران را ادعا مینمایند و گویا بزعم آنها هر قدری که قانون اساسی در ابراش حکم فرما شده اقوام مذکوره هم زندگی نخواهند گرفت و باین سبب کومیتته ایران در لندن حریت ایرانیان را جلب مینمایند و دیپلماتهای انگلزه هم چنان در افغانستان میان اهالی و امیر حرکت میکنند همان قسم هنگام اختلاف اهالی ایران و شاه مخلوع طرف حکومت را التزام نکرده و ظهیر اهالی شدند.

خلاصه کلام وقتی که مسئله ایران بپیان می آید خود انگلیزها از شورشیان سخت تر شده و باعاده حکایت شاه مخلوع ابد راضی نمیشوند - این دو روی انگلیسها در مسئله افغان و ایران بقول خمس از مقتضیات منافع انگلزه است یعنی افغانستان برای نگاهداری هندوستان در هرگاه يك کشور سربازخیز بشود و انگلیسها سبب تصویب همین فشار خوردن اهالی افغانستان است و در ایران هم برعکس این حال واقع میشود یعنی انگلیسها در علیه محمد علی شاه میباشد، چنان که معلوم است ما هم سرفدار آن هستیم که ائتلاف منقده روس و انگلیس در حق احوال آسیای پای دار خواهد بود و از افشای دو روی دیپلماتهای انگلیس منظور ما نه اتمام آنهاست بلکه میخواهیم اسباب تواید این احوال را توضیح کرده باشیم، دیپلماتهای انگلیس برخی اساسات مجردة سیاسیه را تعاقب نکرده فقط دورعایت منافع حقیقیه انگلزه بوده و مقاصد اصلی خودشان را هم بنهایت نمیدارند - و این حال غیر از دیپلماتهای ما همه کس آشکار است که دیپلماتهای روس میباشد ائتلافنامه روس و انگلیس استناد نموده و نگذارند که در ایران زمام اداره حکومت بدست کسانی بیفتد که در ضد روسیه بوده باشند،

يك نظر سرسری به تهذیبات جدید هرگاه بنظر موازنه در تاریخ تهذیب جدید و تمدن قدیم ننگریم بدون شبهه خواهیم دید که تهذیب جدید اگرچه نروت و ترقی صنایع و شایستگی را در عالم افزوده ولی قربانی انسان باندازه که درین دوره پدیدار آمده در ادوار سابقه نبوده است. هر کس تصور کند که تهذیب و تمدن جدید نوع خواهی و انسانیت را ترویج می نماید. بخطا رفته چنانچه (شن بن) ژاپونی مینویسد که در جنگ کریبا عقیده این بود که ازین و بعد بین دول متهمنه شمشیر به خونریزی کشیده نخواهد شد ولی دیری نگذشت که جنگ آستریا و فرانس که هر دو مدعی تمدن و تهذیب بودند شروع شد. سپس پروشیا و آستریا حمله به دماوک نمودند. من بعد جنگهای عدیده بین فرانس و پروشیا و اسپین و امریکا و برطانیه و جنوبی افریقا با فضاپیهای شدید واقع گردید و حال آنکه تمام این دول و ملل خود شانرا متمدن و مهذب بلکه مادر تمدن می ستودند

این جنگهای خونریزانه بطمع و جوع البقر آنان افزوده وباسم مستعمرات شمشیر کشیده بچهار طرف ناخفتند و هیچ قوم وحشی یا نیم وحشی و متمدن از اجحاف و زیادتی آنان نیاسود. فضاپیهای را که دول متهمنه اروپا نموده از فهرست ذیل معلوم توان نمود

ملک	مربع میل	عدد نفوس
ایشیا	۵۴۲۷۴۰	۳۳۴۲۱۰۰۰
افریقا	۷۷۵۲۹۹۷	۹۸۷۸۵۰۰۰
امریکا	۵۹۴۴۰۶	۱۰۷۶۰۰۰
آسترلیا	۱۰۶۹۷۵	۶۳۲۰۰۰
جزایر بحر الکاهل	۱۰۳۲۷۸	۶۰۷۶۰۰
میزان	۹۱۰۰۸۱۴۶۹	۱۳۴۵۹۰۰۰۰

از فهرست فوق بخوبی معلوم میشود که در عرصه پنجاه سال چقدر مالک و نفوس بختی نوع انسان بعد از چه قدر خونخواری و زحمت و خسارات باسم مستعمرات تحت عبودیت. مذهبین جدید در آمده و اگر در جنگ عثمانی و ایتالی هم در طرابلس غرب مظالم ایتالی تسلیم شود باید چهار صد هزار مربع میل و یک میلیون آبادی را بر آن فهرست

افزود. با این حال تعجب این است چگونه خطر اسلامی و خطوه و نگین پوست را سینه بوستان پیش می نمایند جنگ و خونریزی وحله بر ملل دیگر اگر بمناسبت وفاهیت عامه و تعمیر مملکت باشد محل اعراض واقع نمیکردد. بلکه آن حمله قابل ستاین تصور خواهد شد. حرف این است که آیا در حالات خود اروپائیان این نکات را مدنظر میگیرند؟ مورخین مینویسند که در جنگ اسپانی و امریکا ده میلیون نفوس انسانی قربان گردید. فقط در مکسیکو چهار میلیون نفوس تلف شد. همین قسم در ممالک سائره در مستعمرات جدید خود شایسته اروپائیات بدین منوال رفتار نموده اند از جمله شاهکارهای مستعمرات خواهان یکی این است که نظر بر مملکتی که دارند حصه از اهالی آنرا مساج ساخته بیکدیگر می اندازند تا خود بخود برباد و نابود شوند. چنانچه قوم ماژوری در نیوزیلند همین ذریعه مدموم گردید. و در عشر هفتم قرن ماضی دویست هزار قوم موسرم به کافر را جلاء و طر داده مملکت شانرا تصاحب نمودند. باین هم اکتفا نشده وقتیکه اهالی (کانکو) مالیت های گران ماورین (لیوبولد) نان را طاقت نیاورده از ادای آن سرچی نموده دست و پای آن بچارها را قطع کردند.

امریکا با آن همه دعوی تمدن و تهذیب مجرمین سیاه پوست یا باشندگان اصلی امریکا را تا کنون منله مینمایند

در مردم شماری سال ۱۹۰۶ میلادی در صدی چهل عدد سیه جردهگان ممالک جنوبی امریکا بود. و در آن ممالک ۳۲ میلیون دالر صرف مدارس ابتدائی قرار یافته فقط به مدارس سیه جردهگان چهار میلیون دالر معین نموده اند (یعنی صدی پانزده)

این مراتب ثابت می نماید که دعوی نوع خواهی و اشاعه تمدن در اقوام متهمنه اروپا قابل التسلیم نیست بلکه تمام همشان این است که نروت ممالک سائره را جاب و مردم سائره را مزدور خود قرار دهند چنانچه در کلیه مستعمرات اروپائیات اگر بدقت ملاحظه شود این نکات دیده خواهد آمد (خدعه و فریب ایتالیان)

ایتالی در فریب اعزاب طرابلس دقیقه را فروگذار ننموده چنانچه اعلانی بزبان عربی با خط

جلی بذریعه بلون در اردوگاه اعراب بدین عنوان منتشر ساخته اند

(بسم الله الرحمن الرحيم)

ایسے اعراب ضرابلس و برفاخر ! بواسطه این جنگ ما مجبور شدیم که هر گونه روابط و تعلقات حسنه خودمانرا از شا منقطع سازیم و ازین رو ممکن نیست که آوازه عجات بخش ما بشا برسد، خاصه در این موقع که دروغزنی ترکان گوش نامرا سنگین ساخته، ولی ما فریضه خود میدانیم که بار دیگر حق را بگوش نام برسانیم، چه خونریزی مخلوق عزیز خدا را جثرت نمی شماریم. لذا ما بذریعه بلون های خود ملت این پیغام را به شما میدهم که دولت اعلی حضرت قوی ایطالی حفظ الله تعالی بغرض خونریزی اعراب بدینجا نیامده است بلکه بحکم خدا درین ملک رسیده که حکومت ترکیه را معدوم سازد که تہذیب و تمدن را بر شا حرام داشته و مملکتانرا آساء و خراب کرده است، ما به خداش که حامی ماست قسم یاد نموده بشا میگوئیم که مذهب و رسوم و زبان و املاک شما را محترم خواهیم داشت و خدمات قشون بر شا لازم نخواهیم نمود. هیچ گونه مالیات ظانناہ بشا روا نخواهیم داشت و هر بوابکه ازین ملک بخزانہ ما برود باز در این مملکت آمده برای بهبودی و ترقی شما صرف خواهد کردید و راه های شوسه و آهن و بندرگاهها براسیے شما تعمیر خواهیم نمود که در حصص مختلفه مملکت تجارت و زراعت شما رونق گیرد و حتی الامکان سهولت در فراہمی همیشه شما خواهیم نمود، نه ما تنها این ملاحظات را خواهیم کرد که شما منمتع شوید بلکه اضافه ثروت هم برای شما فراهم خواهیم ساخت، زیادہ از حصہ این مملکت بدست مشایخ قبایل خواهد ماند و در شهرها حقوق شما هم به تساوی مراعات خواهد گردید، انشاء الله تعالی در زمان قلبی مملکت شما به ترقیات عالیہ نائل خواهد آمد، لذا بر شا سزاوار نیست که با ما جنگ کرده و جاهای خودمانرا فدای ترکان سازید که ہماره در صورت فرار و ابداً جرئت اینکه در مقابل ما بیایند ندارند و همیشه شما را مقدمه الحیش جنگ قرار میدهند، ترکان بواسطه اغراض شخصی خود شان شما را بشور و خروش می آورند، درین مدت ترکان نسبت بشا چه

حسن سلوک نموده که من بعد بنمایند، پس باید و ترک مقاتله با ما نموده تحت بیرق پادشاه عادل ایطالی بساروید، که دارای علم (سنید و سرخ و سبز) میباشد که علامت ایمان و امید و محبت است، به بیند خدای تعالی در قرآن مجید بشا ما چه امر مینرمايد، (لاینها کم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم ینخرجنکم من ديارکم ان تبروہم و تقسطوا الیہم ان الله یحب القسطین) و نیز مینرمايد (و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله)

جنرال بریگولا کماندان فوج دوم

خلاصہ جواب اعراب ایطالی این بود

(ہود باللہ من الشیطان الرجیم)

جنرال بریگولای نصرانی ! السلام علی من اتبع الهدی - اما بعد بذریعه بلون تحریری که فرستاده رسید رسید و ملاحظہ نمودیم - آنچه از راه مکر و فریب ہنسات شیعہ خاصہ نسبت بدولت علیہ عثمانی و برادران شیور مجاہد ترک داده و طعن و تشنیع داده بودید اطلاع یافتیم - قدرت نامی خداست که چنین دعوی پیش نموده اید کہ ایطالی آنچه خسارہ یافته برای رفاہیت ماست - خدا گواہ است و عالم میداند کہ شما دروغ گوئید -

ای جنرال بریگولا ! ما هیچ گونه ملامتی بتو نداریم، زیرا آنچه تو کرده از دسائس شیطانی و اوہام و خیالات بریشان است - حق این است کہ شما بزرگترین دشمن ما اید، و در قرآن کریم منع شده است ما را از دوستی و مخالفت شما، چنانچہ مینرمايد (لا تأخذوا الیہود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض ومن یولم منکم فانه منهم ان الله لا یہدی القوم الظالمین)

ای جنرال ! از فضل خداوند ما را دین مقدسی است کہ تبدیل آرا هرگز خواہد نیستیم - و ما را بشریعت حقہ خودمان ايقان کامل است - و هر کس دارای ایمان ايقانی باشد بر او فرض است کہ زیر بار ذلت و مسکنت و اطاعت کنار نرود، چگونه ما می توانیم با قومی سازش کنیم کہ نہ اهل مذهب ماست و نہ مذهب ما را احترام مینماید و نہ عزت و آبروی ما را لحاظ میکند - و ما ايقان داریم کہ غرض اصلی شما تملک وطن ما و محو مذهب ما و طوق عبودیت انداختن بگردن ماست - و ما از سم کربہای شما بی اطلاع

نیستیم و ازین رو در راه خدا با شما جهاد میکنیم و این عقیده سیر بزرگی است برای ما -
 ای جنرال بریگولا : آیات قرآنی را که با پیش نموده اید جز خدعه و فریب شما هیچ نمی رساند و قرآن شاهد انتقال است که میفرماید (مخادون الله والذین آمنوا وما یخدعون الا انفسهم وما یشرون) عجبا ! آیا بآن کتابی که عقیده نداری احرام خواهید نمود ؟ ولی حقیقت امر این است که چون در قتل و غارت کامیاب نشده اید حالا باب مکر و فریب را گشوده اید ، شما قدری صبر کنید و به بیند ما از آن خبثاتی که بگوشمالی شما برخاستند کتر نیستیم - بفضل الهی سامان جزگ برای ساهای دراز زود ما موجود است

ای جنرال بریگولا ! خود انصاف ده که دعوی انصاف از زبان شما چه قدر نازیبا معلوم میشود . آن هم در صورتیکه علیان بمظالم شما واقف شده اند . آیه (لاینها که الله الخ) که تو برای فریب ما پیش نموده اید وجوب جهاد ما را بشما مسدود میدارد و تا آخرین نفس قدرت مقابله ما را بر شما لازم میگرداند - این همه آلات قتاله که بر داشته و در خاک ما وارد شده اید برای آن است که مذهب ما را محو و ما را از وطن محبوبمان خارج نمایند - آیا شما آن یسئید که هزاران احوال و زنان معصوم ما را بقتل رسانیده و مساجد مقدس خرابی و از اجساد آنان بر نمودید ؟ ما را آن علم از کف سلب نشده است که در جنگ های صلیبیه در مقابل شما مرتفع میکردید و هنوز آن خون در اعصاب ما نه خشکیده که در حفظ دین مقدس خودمان تکامل ورزیم - اگر شما دارای همت و جلالت از قلاع و استحکامات خود بیرون آمده در مقابل ما در آید - فلینکت رایة الایطالیان ائمت الالوان - الذی هو علامه الشریک والکفر والفتیان . ولتسقط ایطالیا دولة اللصوص والعدوان ولتبقى الدولة العلیة مدی الزمان . دولة آل عثمان

عموم عربیان افریقه الاسلامیه سکان البوادی والبلدان

مکتوب از حاجی ترخان

دیروز در شهر شهر حاجی ترخان از صبح ساعت هشت روز الی ساعت ده شب برای مدافعه

مرض سل یا دق عید بزرگی گرفته در دست هر يك از خانها گل سفیدی بوده بمردم تعارف کردند در عوض گیرندگان گل بولی بصندوق اعانه که سر بمر در دست مردی بود میگذارند ؛ تا کنون هیچ عیدنی از اعیاد ملی و دولتی در خاک روسیه باین عظمت و شادمانی دیده نشده تفصیل آت از این قرار است

پس از آنکه احیا دواء مرض سل را پیدا کردند برای وسعت اداره گردش طبی این مرض تدبیری کرده اند که باید در هر سال در ماه اپریل که تقریباً يك ماه نیم از بهار میگذرد در تمامت خاک و مملکت روسیه روزی معین شود و آن روز را موسوم بعلاج یا مدافعه مرض سل گذارده گل سفیدی بمردم تعارف کرده در عوض بولی بصندوق اعانه داخل شود و آن بول تحویل اداره بلدیة شهر یا اداره حفظالصحه گردد و اداره حفظالصحه پس از شور و مشورت آن عایدات را بمصرف این مرض از حیث بناء و عمارت و لوازمات آن برساند

روز ۱۵ ج ۱ مطابق ۲۰ اپریل ساعت هشت صبح جمعیت به کایسا یا کنیسیای بزرگ حاضر شده سپس از آنجا موافق پروگرام حاجلی به گردش مرد و زن پسر و دختر انداخته سفیدی بر از گل سفید مصنوعی در دست زنان و دختران و صندوق پسر بر بدست مردان و پسران داده اند و آنان بچند قسمت منقسم و در هر کوچه و شارع عام مامور و مدین شده اند ، ابتدا با هیئت مخصوصه از وسط کوچه موسوم به (مسکو و سکی) که اول شارع عام است عبور سپس متفرق و هر يك از زنان و دختران با لباس فاخر یا پسران و مردان که برای هر يك از آنان تعیین شده بود قدم زنان بمردم گل سفید تعارف کرده هر کس باندازه وسیع خودش بولی بصندوق اعانه که در دست مردان و پسران هیکل وار گذارده شده بود میگذارند - حاجلی که درگردن آنان بود این طور نوشته داشت (دعوا یا دفاع یا مدافعه با سل) دسته موزیک در وسط شهر در باغ دولتی مشغول تریات و در هر چند قدم زنان و دختران ماه سیاه جلو آمد آمده گل سفیدی را تقدیم و مطالبه اعانه بصندوق میکردند گیرندگان گل بایستی گاهی را با سوزنی که بخیه شده

بود بینه خودشان بچسباند ، اژدهام و اجباع خلق بحدی بود که ما فوق آن منصور نبود و آن روز روزی بزرگ بشمار بود و در واقع هم سیاحت هم زیارت هم جمع آوری آغاه بود و باندازه مردم فرحناک بودند که حد و خصر نداشت و پول قابلی هم جمع آوری شده ، چنانچه ابتدا هم در شهر مسکو جمع آوری آغاه شروع کرده سپس شهرهای دیگر که از جمله شهر حاجی ترخان که قدیم ترین شهر و بنادر روسیه و مرکز عمده داد و ستد مال التجاره ایران است ، این عید گل سنید هم گرفته شده و خدمت بهام انسانیت و نوعخواهی این است و بس اکنون رسیدیم بایران ویران و ملت نادان و مصادر امور ، آیا باید دانست ما هم میتوانیم به اینگونه آرزوها موفق شویم ؛ بل میتوانیم چه طور میتوانیم ؛ این طور مینوایم ، تو سرطانی بزندی ، روابط حسنه برقرار است - سوار خرمان بکنند ، روابط حسنه برقرار است - گیس و ریشان را براشند ، روابط حسنه برقرار است - سیخ بچلقان بچسبند ، روابط حسنه برقرار است - شرض و ناوسان را بیاد فایدهند ، روابط حسنه برقرار است - تقة الاسلام و سایر مجاهدین فی سبیل الله را در تبریز بدو اعدام بیاویزند ، روابط حسنه برقرار است - سر انزلی و رشت و گیلان و زن پرستان را تبعید و بعضی را شهید کنند روابط حسنه برقرار است - احرار حقیق را اسیر و دستگیر نمایند ، روابط حسنه برقرار است - خاك پاك و مان و اولاد و دن و حقوق وطن و همه جز وطن را در این وقت آزادی به اجانب بفروشند ضرر ندارد ، روابط حسنه برقرار است - استقلال مملکت برود چه عیب دارد نقلی نیست ، روابط حسنه برقرار است - هزاران زنان و دختران در تبریز بی سیرت و به ضرب شلاق و نیرو وحشیهای شمالی معدوم شوند ، باز آزادی نیست ، روابط حسنه برقرار است - هر ضلعه که بایرانی در خانه خود و در وطن آنان از طرف اجانب بان مطلوبین وارد آید ، باید ، آخر روابط حسنه برقرار است - هیئت کابینه به تمام نوضها و اولتیاومهای اجانب تن در دهند ، باز نقلی ندارد ، روابط حسنه برقرار است - فدائیان از جرکه لشکر خارج شوند ، بشوند ، روابط حسنه برقرار است - سود صدی پنسیج

صدی هفت شود ، بشود ، روابط حسنه برقرار است خرگرم نعل شود بشود روابط حسنه برقرار است شوشر خزانه دار ایران برود ، برود ، چه ضرر دارد اداره مایه خراب میشود ، بشود ، روابط حسنه برقرار است - مردم ایران از ترس بیخبرت میشوند بشوند ، روابط حسنه برقرار است - مصادر امور ترسو و حیون میشوند ، بشوند ، روابط حسنه برقرار است - وطن میرو اولادان وطن بدار اء-دام آبخنه میشوند ، غیرت ملی میرو ، ناموس میرو ، مجلس شورای ملی میرو ، احرار حقیق میرو ، چنانچه رفت ، هر که میرو برود آخر روابط حسنه برقرار است روزنامه منظمه - کموسوم به (روسکی ایسلاوا) از قبل وقایع نکار طهران خود تلگرافاً این طور بنویسد ، علت استعفای نایب السلطنه را یکی از نزدیکان او این طوری بیان میکند - که جراید خیلی حضرت والا نایب السلطنه را بی احترام کرده اند - حصه جبلالتین کلاکته که نفوذ نامی دارد خیلی اب السطنه ناخست آورده است ، از این است که آقای نایب صلاح خود را در استعفا و رفتن به فرنگستان دانسته الی آخر -

(جبلالتین)

اخبارات روسی که اینگونه عناوین را اشاعه میدهند بنا بر بنیاد است - اخبار جبلالتین تا کنون رفع اعتماد از حکومت کنونی و نیابت سلطنت نموده - البته بسو سیاسی مرکزبان قائل و هستیم - چیزی که ما را متاثر ساخته این است که وزرای ما در اصرار بسو سیاسی خودشان مرتکب سهوهای سیاسی دیگر می گردند ، عدم انعقاد مجلس و انتخاب وکلاء بطریق آزادی هم یکی از سهوهای سیاسی مرکزبان بشمار است امیدوارم که زیاد بر این کابینه وزراء اصرار باین سهو سیاسی خود نفرمایند

از کراچی

(معارف پژوهسان جنوب ملاحظه فرمایند)
امروز که نورعالتاب آفتاب علم و معرفت کوه ارض را فرا گرفته بد بختانه بواسطه باره اسباب ناگفتنی که قلم از ذکر آن عاجز است وطن محبوب ملرا از این فایده عظمی بی بهره گذاشته اگر چه در بعضی شهرهای ایران مدارس ابتدائی هست

بوشهر که مرکز خلیج فارس و بندر تجارت و سیاسی و سرحد معظم ایران است دبستانی موسوم بمدرسه سعادت از همت و ملاحظه خواهان محترم و مبارک پژوهان منظم برپاست، لیکن آن طور تکمیل و مرتب نیست که شاگردان آن طرف بجهت تعلیم ابتدائی محتاج به خارجه نباشند. لذا شاگردان لابد میشوند که هندوستان بروند، زیرا که برای اهالی این سمت نزدیکتر است و نمیتوانند بسایر شهرهای ایران بروند چرا که راه خیلی دور است. ازین رو بسیار اسباب زحمت شاگردان میشود.

در مدارس هند نیز از ابتدا تعلیم فارسی نمی دهند اگر از اول در بوشهر بخوانند و پس از تمام کردن مدرسه آنوقت بهند بروند در همان درجه اول میگذارند چرا که نوشته تحصیل بدست ندارد یعنی مدرسه باو نداده بواسطه نبودن قانون صحیح، لذا اقلان دو سه سال عمر بچاره شاگرد تلف میشود خوب است مدیر مدرسه سعادت بوشهر جناب مستطاب آقا شیخ محمد حسین بامدیر سند مدرسه اسلام در کراچی قرار میگذارند (زیرا که شاگردان آن طرف زیاده بکراچی میروند) تا آن درجه که در بوشهر میخوانند مطابق دروسهای مدرسه کراچی باشد تا آن قدر که شاگرد خوانده (بشرطیکه نوشته تحصیل در دست داشته باشد) بدرجه بالا برسد. الحال بجهت شاگردان این طرف بسیار زحمت است، مخصوصاً بعضی آمده اند در اینجا سوادی از فارسی خواندن و نوشتن نداشته اند و در مدرسه هم هرگاه بخوانند هندوستانی بخوانند معلم فارسی نمیداند که آنها را بفهماند و اگر با صد مشقت بخوانند باید چهار سال هندوستانی بخوانند و بعد در مدرسه رشدی داخل شوند - چهار سال عمر این بچارگان ضایع میشود جهت هندوستانی که فایده صحیحی برای آنها ندارد، و فارسی که زبان مادری خودشان است نمیداند.

مخصوصاً خود بنده در کراچی بودم که چند نفر شاگرد جهت تعلیم آمده اند بواسطه اینکه سواد فارسی نداشته اند و معلم هم فارسی نمیداند که آنها را تعلیم دهد با کمال ناامیدی بسوی وطن خود برگشته اند بعد از مخارج زیاد رفتن و برگشتن،

البته لازم بل واجب است که بشار محترم بوشهر و سایر بنادر و شهرهای دیگر همی فرموده مدارس در بنادر تأسیس نمایند با قانون صحیح و مطابق با علم و دانش پرورش یافته مدارس جدید که بجهت تعلیم ابتدائی محتاج بخارجه نباشیم و در همین مدرسه منزل جهت شاگردان که از سایر شهرها برای تعلیم می آیند بنا شود - بودن چنین مدرسه در فارس نیز واجب است.

(آنچه البته بجای نرسد فرید است)

(خادم اسلام محمد خلیل بهمانی)

یکی از درد مندان

مدت بیست سال است که با پدر مرحوم خود حاج محمدعلی فیاضوف بآجر (قره بانی) از وطن مالوف دور افتاده محض حق اسلامیت و ابراهیت قدیم از قره باغ خراج شده در علیه اسلامبول رحیل اقامت انداخته مشغول تجارت امته دولت علیه ایران بودیم از کیه اقسام فروش. حتی در زمان قدیم که بدرم تازه وارد علیه شده بود محض استخلاص از تبعیت کافر تا بعیت دولت علیه ایران را قبول کرد. در کال افخار و شرف تا ۲۹ شهر صفر ۱۳۲۹ زندگی کرده بعد از فوت پدرم باز ماندگان گرفتار دست ظالمانه مامورین گردیدند و بکلی از امورات تجارتی مان محروم - ختمد مامورین ایران بدون سابقه وبدون اجازه قانون هرروزه گریه رقصانی کرده از آنچه لازمه دوشیدن بود دوشیدند - فعلا حیران و سرگردانیم که این درد بزرگ را بکه و بکجا رفته اظهار نمایم. لذا به نامه مقدس التجا آورده که درین باب قدری لطف فرموده بلکه باز فراغت حاصل زده مشغول تجارت موروثی خود مان بوده باشیم.

(حبل المتین)

گویا فلک زدگی و گرفتاری های گوناگون عموم ملت خاصه بشار محرم از اوضاع چند ساله ایران کای باشد، لذا نمایانماییم که مامورین خارجی خاصه مامورین اسلامبول آن هم در دوره سنارت جناب آقای محتشم الساعنه برعیا بهتر از این سلوک نموده مزید بر بادی آنرا نگردند. و ما بقیین داریم اگر صاحب مکتوب بشخص سفارت متعخواه

رجوع مینمود لازم نمی آمد که عرض نظم خود را بجا بیاورد. چه حضرت سنارت بنای را از دیوار ملت خواهی شناخته ایم، اینک هم سمبانه توجه ایشان را به آسودگی صاحب مکتوب جلب مینمایم.

بنداد

روز جمعه هتم جشن امتحانات مکتب اخوت ایرانیان کاظمین با تمام رسید، بنا بر دعوتی که از ما ها نمودند حاضر شدیم. از حسن مراقبت مدیر و هیئت اداره و معلمین مکتب شاگردان ترقی فوق العاده نموده بودند. درین دعوت مکرم السلطان کار برداز و محمد پاشای داغستانی و دو سه نفر از کندانهای زاندرم و سرباز عثمانی و جمع کثیری از امرای بنداد و تجار محرمین که تقریباً یک هزار نفر از سایر اصناف در آن جشن حضور داشته شاگردهای مکتب یکن یکان بر همدیگر سبقت می نمودند و بالای مدیر نسق رفته نطق های آتشین میخواندند چنانچه اکثر مردم بگریه و بعضی بخنده شوق و شغف مشغول شدند که اطال باین مدارج عالی ترقی نموده اند. بعد از صرف شربتی تقریب ساعت پنج از روز مدعوین متفرق شدند میرزا صفرخان وکیل قونسون کاظمیه با فرانشان نظم مجلس را نگرانی مینمودند مشغول از باب های قدیم و نجیب است.

این یکی از اقدامات نیک مکرم السلطان میباشد که از بدو ورود دو اصلاحات کار برداز خانه کوتاهی نکرده اند منجمه فرانشای کار برداز خانه را مابین پادشاه های اعلی نموده و ازین قهره کار برداز خانه رونقی بهم رسانید. و برادر خود را بسمت ترحمانی معرفی نمود و ترحان سابق را به سمت وکیل قونسون خاقین تعیین نمود و احمد خان مشهور قبلاً پیکار مانده است ناصر خان بمراتب از احمد خان بزرگتر است احمد خان ابداً بوئی از سیاست نشینده و خیانت های بزرگی کرده ولی ناصر خان اگر خیانت و رشوه را بکار ندارد داناست و (اسدالله خان) را هم از مساوی کار بردازخانه معزول نمود میرزا صخر خان بدو در محرمه پادشاه بود بعد از آن سمت فرانشای گری کار بردازی داشته و حالا بسمت نیابت کاظمین نامزد آمده است، چیزی که اسباب درد سر شده اگراد بواسطه

عمله مکلفه و غیره فوج فوج وارد بنداد و بنا بر کار برداز خانه می آورند نتیجه معلوم نشده است یکی از اکراد قبلی می گفت که ما پول جمع کرده بوزارت خارجه و سنارت تلگرافاً بخاریه می نمایم اگر ما را از بجه عثمانی خلاص کرد فهیما و الا یکدفعه تبیت را اختیار می نمایم ما ها نمی توانیم سالانه تقریب پنج شش تومان عمله مکانه و غیره به عثمانی داده سرباز هم بشوم.

کار برداز قبلاً تذکره یک قران میگرفت حالا ده قران میخواند حقیقت حق به جانب مرد فقیر صکرت است که بی چاره ها از صبح الی غروب متحمل هزارگونه بلا میشوند وقوت لایمونی تحصیل میکنند، چگونه اداء چنین تکالیف را بخینند، اقل دوات اگر بجای تذکره باینها بدهد یک قران بگیرد بهر است بجزار معتبر ایجا برای یک قران هزار دفعه جان میکنند، لیکن حال چگونه ده قران پول تذکره خواهد داد و حال آنکه اگر ده قران داشته باشد عازم پشتکوه خواهد شد و دو بنداد نمی ماند رفتار مامورین داخله و خارجه ایران یک سان است. هرچه درد و بلاست باید فقیر متحمل بشود، دوات انگلیس با وجودی که رعیت کسبه و حال درین جا ندارد فقط دو رویه تذکره در سالی میگیرد و عمله مکلفه و غیره از آنها نمی گیرد و اگر یک قران از آنها بگیرند قونسون بزور ده قران عوض او میگیرد و به صاحبش میدهد.

از سوء قصد های مشهور

(نسبت به عبدالمجید)

(شماره ۸)

نزد صاحب درشکه مبشل و وافیادی و شرکایت آیا درشکه را که یک نفر ریپس نام به کسراجه گرفته بود تو اداره کردی یا نه؟
بله، اما تنها بازده روز بخدمت آنها ماندم؟
در مدت آن بازده روز چه کردی؟
درشکه ریپس را مشق میدادم
آیا اسم آن درشکه ریپس را میدانی از کدام ملت است؟

خودش ارمنی و نامش مفردیج است
بعد از آن باز با آن آدم ملاقات کردی یا نه؟
بله، پس از حادثه بومب یعنی بازده روز بعد

در يك اوغلی دژ يك چهار سو خودشرا دیدم
یکدرشکه قشنگ ~~سکه~~ گردونه هایش قاوروجوق ،
رزین، بود اداره میکرد

با خودش صحبت کردید یا نه ؟

بله کردیم ، آقا ایس یک خانه رفته و او در
جلو در منتظر مراجعتش بود
ریلیس چگونه آدم بود ؟

قد وسط، رنگ گندم گون، چشم سیاه، ریش
دوشاخه، یکفر روس بود

نجیب ملحه از سخنان محمد آقا خیلی خوشوقت
شده و گفتم ،

بارک الله محمد آقا از تو خیلی محنون شدم اگر
را ستر ازین بگوئی پاداش هم خواهی گرفت ، بگو
به بنم با آن درشکه به کجا ها میرفتید ؟

حضرت پاشا بنده تنها پانزده روز در نزد ریلیس
ماندم، در ظرف این مدت روزی از خانه خودش
که در کوچه (بنجیب) میشد برخواسته به پستخانه
فرانسه، روز دیگر هم بیانک، قره غالبونه و بازار و
بکمرتیه هم به شیشی رفتم ،

آیا ریلیس رفقای دیگر هم داشت ؟

روزی تا سور های (بدی قلله) با درشکه
رفتم، آنوقت زنی هم با یک نفر زن دیگر که در
کوچه جزایر مینشست باهم بودند، فردایش باز
مادام ریلیس خودش بکوچه جزایر رفته آت
خانم اوربائی را آورده با اتصالی شوهرش بمیدان
آت ، گوشت ، رقم، در مراجعت مهاترا به کوچه
جزایر پیاده کرده و خودمان بخانه ریلیس آمدیم.
پس فردایش یک نفر جوان که از قرار گفته مفردیج
نویسنده ریلیس بود درشکه را به وافیادیس اعاده
کرده و گرایه اشرا هم تادیه نمودند ، از هانروز
تاکنون ووی ریلیس را ندیدم

حسب الامر نجیب ملحه شکسته پاره های درشکه
رزین دار را به محمد آقا نشان دادند محمد آقا
آنها را با کار دقت معاینه نموده و گفت

بله ، اینها پاره های همان درشکه است که پانزده
روز قبل از حادثة بومب در اداره مفردیج درشکه چی
بود ، هیئت تحقیقه برای پیدا کردن مفردیج هر چه
مکشتمند او را نجیبند بالاخره با دلالت خفیه ما

برادر مشارالیه او حاش نام را که در محله تقسیم
در کوچه (صره سروی ها) توقیف نمودند ،
او حاش بحضور هیئت تحقیقه آورده شده رئیس از
مشارالیه پرسید

تو یک برادر داری حالا کجاست ؟

حضرت پاشا بنده نمیدانم در کجاست پیش ازین ها
در نزد وافیادیس درشکه چی بوده وبعد در (شیشی)
خدمت یک نفر اوسریائی داخل شد

آیا تو برادرش نیستی چرا نمیدانی که در کجاست ،
حضرت پاشا من انکار برادریشرا نمیکم اما
مدت هشت روز است که وویشرا ندیده ام

قبل از هشت روز حضور ؟

قبل از آمدت هر وقتیکه بیکار میشد در نزد
من میخواستید بگفته پیش گفتم که به (بیوک آظه)
خواهم روت از خانه بیرون شده و باز نگفتم .

حسب الامر نجیب ملحه او حاش را بزندان
انداختند .

بعد از آن هیئت تحقیقه صاحب طویبه غازا نام
را که درشکه رزین دار در طویبه او بود با اتفاق
یوسف نام درشکه چی و با زیرس نمودند

یوسف ، آیا تو مفردیج را میشناسی ؟

بله ، پیشها در نزد وافیادیس بود و درشکه
که ازوین آمده بود آنرا اداره میکرد پس از چند
هفته صاحب درشکه خدمت مفردیج را نه پسندیده
بجایش یک نفر زورز نام اوسریائی را که بلند و تنومند
بود آورد که اوهم مانند مفردیج در طویبه میخواست
استون آن مرد که زورز که میگوئی در کجاست ؟
تا شب جهه در طویبه بود صبح زود روز جهه
درشکه را سوار شده و رفت

آیا نگفت که کجا خواهد رفت ؟

بله گفتم به بیوک دره خواهم رفت

آیا غیر از این ها آدم دیگر در طویبه نمی ماند
برخی گاه دو کس آمده با مفردیج دیدن میکردند
روزی آن ها را پرسیدم در پاسخ من گفت که
این ها نیز نوکر ارباب هستند

اسپهای درشکه را از کجا خریده بودند

از حسن افندی تبارچی

آیا هر روز درشکه را به بیرون میبردند ؟

بلند قد با یکنفر آدم تومنند و سیل زود با اتفاق
یکنفر از دلایان درشکه (قاضی کوی) آمده اسپهاسیکه
میخواستم بفروشم آن ها را دید کردند

بله ، حسن اقدی بسیار خوب نقل میکنی !
فردای آن روز همان اشخاص بعلاوه یکنفر
فرنگ که شایقه در سرش بود بطوبه آمده
خواستند اسپهاسی مرا با براق تمام به ۳۶ لیره
بخرند . من گفتم که میخواهم درشکه را هم با
اسپهاسی دو یکجا بفروشم گفتند که ما خودمان یکدستگاه
درشکه از وین آورده ایم با آنها اسپهاسی بفروش .
بالاخره داد و ستد در میان واقع شده اسپهاسی بر آن
مشتریهای نا شناخته فروخته و تسلیم کردم
بسیار متشکر شدیم حسن اقدی حالا میتواند
تشریف ببرد .

حسن اقدی میخواست از سالون بیرون شود
نجیب ملحه دوباره مشار الیه را صدا کرد
حسن اقدی به بخشید ، يك سوال دیگر هم
از شما خواهم کرد آیا میدانید آن دلایکه مشتریها
را بعلاوه شما آورد کی بود ؟
بله ، حضرت پاشا مشار الیه در (طاغولاه)
مینشینند و در تخت (آغا جامی) درشکه چیکری
میکند ، اسمش (اسپرو) است

فورا هیئت تحقیقه اسپروولد میخالد را حاضر
نمودند .

نجیب ملحه با يك چهره تند
اسپرو ، تو در ماه مایس دو نفر آدم بخانه
حسن اقدی آورده بگو به بین آنها کی بودند ؟
بله ، حضرت پاشا بیادم میاید یکنفر درشکه
چی مفروچ نام آمده گنت که ارباب من یکدستگاه
درشکه از (وین) آورده و برای آن درشکه احتیاجی
به یکجنت اسپ دارد چون یکنفر از آشنایان من
(آقسه نوفون) نام مقیم (قاضی کوی) دوهفته قبل
به من گفته بود که حسن اقدی یکجنت اسپ مال
فروش دارد لهذا روزی باتفاق مفردیج به دید
اسپهاسی رفته و فردایش باز با یکنفر علیحده که به
مفردیج نویسنده اربابش و خودش بلند قد بود به
طوبه حسن اقدی رفتم
اسپهاسی یکجا بر دید ؟

جز از روز جمعه هرروز میبردند . فقط روز
بجانبه یکروز قبل از حاده بلدی از صبح تا شام
در ضویله مانده روز جمعه - روز واقعه - هنگام
سحر از ضویله بیرون بردند

درشکه را کی اداره میکرد ؟
زورز اداره میکرد (پروانط) نام بیظم هم
با او بود
نجیب ملحه خطاب به اعضای هیئت کرد
می بینید که با کمال گرمی مشغول تحقیقات هستیم
تا اکنون بسی نشانها دستاویز کردیم با خواست خدا
در این نزدیکی مرتکبین این جنایت ملعون را پیدا
و به بیجه عدالت تسلیم و مسئله را موافق اراده
و آرزوی حضرت شوکتآب حل میکنیم
یکنفر از اعضا گفت

اساسی صاحبان درشکه قانونچوقدارا میدانیم بله
بله ، حالا فقط حسن اقدی تیاترچی ماند . آرا
هم از برس خواهیم کرد و کمان دارم که مشارالیه
استنطاق مهم با خواهد داد

در آن هنگام یکنفر از خاصان سلطان داخل اطاق
شده و بگوش نجیب ملحه چیزی گنت بعد آشکار
پان نمود

حضرت پاشا ، اعلیحضرت شارا میخواست
رئیس هیئت تحقیقه بیرون رفته و با کتاب بدانه
مخصوص داخل شد . و پس از نیم ساعت دیگر
دو باره هیئت جمع شده و با امر نجیب ملحه
حسن اقدی بازیکر تیاتر داخل سالون شد . نجیب
مشار الیه خطاب کرد

به بخشید حسن اقدی ، شارا تا این جا
آوردیم برای يك مسئله مهم بود که سوال خواهیم نمود
حضرت پاشا ، ابدأ برای من زحمت نیست اگر
جواب قناعت بخشی بتوانم هم خود مرا بختیار میباشم
برادر من حسن اقدی میگویند ، شما در این
اواخر یکجنت اسپ فروخته اید آیا راست است ؟
حضرت پاشا من اسپهاسی درشکه را بکس دیگر
فروختم

خیلی خوب ، چه وقت و به کی و با چه شرط
فروختی يك يك همه اشرا جا بجا با بگو .
آقای من ، روز چهاردهم مایس بود يك اومنی

آنهارا مفردیج به يك اوغلی برد
آیا بعد از آنهم مفردیج را ملاقات کردی ؟
بله فردای آنروز برای تماشای درشکه بطویله
رفته و من - ردیج را در آنجا دیدم . بمن گفت
که هنوز درشکه را از کمرك نیاورده ایم . یکروز
هم دیدم درشکه [قانونچوققبار] را اداره میکرد
بعد از دو هفته هم در یکقهوه خانه به مفردیج ملاقی
شدم آن وقت بیکار بود ، صاحب درشکه از پاریس
یکدوشکهچی آورده و او را مرخص کرده بود

(قه نوفون) نام که از دلان قاضی گوی
بود بحضور هیئت تحقیقه آورده شده . نجیب ملحمه
بشار الیه خطاب کرد

قه نوفون . آیا تو يك آدم اسپرو نامرا
مشیناسی ؟

اسپرو ! شغل این شخص چیست ؟

فوت نظر آقا

در فوت مرحوم نظر آقا که سابق بر این
بسمت وزیر مختاری دولت علیه ایران مقیم پاریس
بود و بعد بواسطه بیماری و علت مزاج استفا - داده
و در پاریس اقامت نمودند ممتاز السلطنه اقدام نموده
کنان میرود که تا کنون هیچ تشییع جنازه بدین
احترام نشده است از اشخاص خوارجوی . در
پاریس از طرف دولت فرانسه ۴ عرابه توب بافور
خانه و یکصد نفر توجی ۲ دسته گارد رپوبلیکا با
موزیک سواره دورژیان باموزیک سرباز جهت تشییع
آمده بودند یکدسته کل بسیار قشنگ هم از طرف
دولت فرانسه فرستاده شده بود تمام در و دیوار
کلیسا را سیاه پوش نموده بودند تمام اربابان حضور
داشتند جمعی با جناب وزیر مختار تا برلاشی رفته
جنازه را بخاک سپردند چون مرحوم نظر آقا از خدام
بزرگ ایران بوده که لکه بر اعمال خود نگذارده
امید است اولیای دولت هم توجی به بازماندگانش
خواهد نمود

بونه

(عطیة حکومت)

بعد از زحمت ده ساعه یوم گذشته از جانب
حکومت زمین بجهت قبرستان به ما طایفه ایرانی
ها دادند . اگرچه اول جون در تکس هرل
اخبار بونه بود و مطلع بودیم ، یوم قبل که ۶ جون

بود حکمش هم آمد خدا بخواد همین دو روزه شروع
به کار نموده جای خوبی خواهم ساخت . الحق حی
خوب با دادند نزدیک باغ دولتیت چهار هزار و
دو روپیه چهار آنه درینک موجود داریم . نه صد
روپیه مطالبات بخزار روپیه دیگر باید پیدا کنیم تا
جای خوبی بشود .

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند بجای رسیده اند

حال خواهش داریم که در جبل المنین نوشته
باشید تا مردم مطلع شود

(جبل المنین)

ما مدتی بود که اطلاع داشتیم اربابان بونه
انجمنی نموده در خیال قبرستان و مسجدی بودند
بجهت معارف قبرستان وجهی هم جمع نموده اند
خواهش داریم بیشتر از این کار روانی که در این
باب نموده واسای کسانی که وجه داده اند با اطلاع
داده تا مزید تشکرمان گردد .

مکتوب از کرمان

از بدو ورود امیر اعظم فرمانفرمای کرمان سطق
های خوب در باب حب و من و منسروطه خواهی
فرموده ملت فقیر بیچاره کرمان که در مدت شش
سال آسایش و امنیت ندیده وجود ایشان را فوزه عظیم
دانسته تلگرافات تشکر بامنای دولت نموده حضرت
والا فراش باشی و ده دوازده نفر از سوار های
کار آمد خود را با دو بیست نفر سوار نرمانشیری رفعة
نظام بی وعده از سوار بیجاچی و دو توب سوزنی
اضریتی ته بر که یکی در قورخانه کرمان و یکی در
قلعه هم بود بآنها داده ریاست این اردو را بفرزا
حسین مجاهد رئیس نظمیة سابق که بهادر السلطنه لقب
یافته بجهة وصول مالیات روانه شده چون از
مرکز حقوق نوکر حواله نشده بود فرسارو دادند
حقوق را از هر جا بگیرند بعد از ورود هم ایالت
هرچه تلگراف کرد که لازم نیست بچیرفت و
رودبار بروید برگردید آنها نشنیده روانه چیرفت
نده فراش باشی حکومت و نوکرهای ایالت را که
همراه بود گرفته توقیف نموده بقراریکه برای علمای
شهر و هر کس نوشته اند از جبهه فراش باشی
خطوط بزند بیرون آمده که حکومت نوشته است
حاکمی نیست دواتی نیست ایران تقسیم شده تا میتوانید
از مردم پول بگیری جریعه نمانید ریش به برید

آن را خود آورد نباید گشت؛ تمام خرابی از مرکز است یعنی قوای مرکزی نداریم و رجال با که وطنخواه کم دیده میشود چنانچه مکتوبی که بتازه کی از طهران رسیده و ما درحالی دیگر درج نموده ایم خیلی ارتکاب را آشکارا میسازد فعلاً باید گشت - اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین

حقیقت حال عباسی

سال گذشته در ناپیکی احضار شده و وقرالدوله بر حسب انتخاب نظام السلطنه برای حکومت بنادر آمدند و نیابت حکومت عباسی مانند سابق به مصباح دیوان تفویض بعد از چند صباح مصباح را بهوشهر خواسته و محبوس داشته و اعتضاد حضرت مدیر نظمی را بحکومت عباسی فرستادند، تلگراف و عرایض بسیار برای استخلاص و استقرار مصباح از عباسی بهوشهر و طهران شده مفید فایده نیفتاد، بعد از هشت ماه گرفتاری بواسطت معین التجار از حبس مرخص و کفالت همراهی در امور هرمر کرده مجدداً به حکومت عباسی نامزد و در ششم محرم وارد مرکز حکومت شدند و اعتضاد حضرت را دو ماه محبوس داشته بعدش روانه بهوشهر کرد اعتضاد هم دو هزار تومان مدیون دیوان بود در بهوشهر فرود نیامده بهبصره و بغداد رفت

خلاصه مصباح پس از ورود چون وجه مالیات موجود نبود برای سربرج اخیره سال تقریباً ده هزار تومان باسهم مواجب جریمه و غیره از اداره گمرکی دریافت، در برج حوت دستور العمل از حکومت بنادر برای اداره گمرک رسیده که فقط مواجب صد نفر جریمه به مصباح باید داده شود، مصباح يك روز قبل از نوروز بقونسول خانه انگلیس رفت و تمحصر جسته و باصرار قونسول حکومت بنادر قرار دادند مواجب صد و نود نفر جریمه از قرار هر يك نفر هفت تومان و مواجب ده سوار از قرار ده تومان به مصباح داده شود مصباح مراجعت بمركز حکومت کرده بعد از چند روز آقا شیخ علی و نجار در تلگراف خانه ایوان تمحصر جستنند و مسیو جان پاتر که از طرف دولت جزیره هرمزرا اداره مینمود و مانع اجراء پیشرفت مقاصد معین التجار بود باسهم اینکه بجه باز است اخراجش را خواسته آن را هم قونسول انگلیس

چوب بزید بعضی عادات دیگر، بهر حال هنوز اصل این خطوط را کسی ندیده عجائبات تمام رؤسای ایالات مثل غنچه علی خان افشار رؤسای بیاقبی بهادر استعته رفقه نظام محمدخان سرتیب با دو هزار جمعیت روانه کرمان شده با حکومت طرف میباشند میگویند ما با اهل شهر طرف نمیباشم با حکومت صرف هستیم که چهل هزار تومان از مردم جریه کرده لاکن حکومت سی دارد که مردم شهر را با آنها صرف نماید. دو اینصورت مسلم است تمام ضمناً پایمال خواهند شد، قونسول روس و انگلیس از حکومت امنیت خاسته حکومت جواب داده قوه ندارم لهذا بانک انگلیس خزانه خود را از شهر بقونسول خانه برده است و البته سوار بجهت حفاظت هم خاسته اند، محالاً حالت حالیه کرمان از تمام ایران خرابتر میباشد زیرا که اهالی قنبر اغلب صحراهای آنها خراب شده میجرانند بهانه هم بخارجه داده شده که توپ و سوار وارد نمایند مردم بحکومت ایراد کردند که در صورت عدم اطمینان چه طور توپ و سوار به بهادر السلطنه داده، باری محالاً دو سه روز مهلت داده اند که اگر حکومت رفت برگردند و الا جنگ نمایند تمام اهل شهر بریشان تعهدات بالا رفته آثار قحط و غلا نهابت وزیر داخله و مالیه بانزده هزار تومان حواله داده بجهت خرج اردو و جلوگیری حکومت بگردد و خرج نماید آن روز که مردم مالیات میدادند هر چه تلگراف کردند جواب نرسید امروز که هر کس مالیات را گرفته خورده است بهر حال از برت وجود اولیای امور شهر کرمان نیز خراب و محتاج باوردن سوار انگلیس شد

وای اگر از پس امروز بود فردائی

(حبل المتین)

شک نیست که اغلب و نك آمیزهای انقلابات داخلی ما از خارجه است ولی بد بختانه می بینیم که تمام آن ونگهائی را که بکار میزند با دست های ایرانی است آنچه را چند دولت پس از صرف خزائن زیاد و صد هزاران اشکر در مراکو حاصل نمودند بدون هیچ خرج و تلافی لشکری بدست يك جماعت انگشت شمار ایرانی خارجیات حاصل نموده و مینمایند، قطعه بندر عباس، کرمان و امثال

خطاب حکومتی به شجاع نظام نه می نمود. منشی فارسی همان مراسلات را بنظر اصحاب تحصن رسانیده و استظهار آنها را پیش از پیش گردید و آنها هم وقاحت را بدرجه کمال رسانیدند. تلگرافی سراسر دشنام پیرزا علی محمد خان موقرالذوله کردند. همین مسئله به تناد و حاجت حکومت بنادر افزود و در انجام مسئولان بر نیامد. روز یکشنبه ۲۵ کسبه به تنگ آمده خواه بخواه دکا کین خود باز کردند ۲۵ قوتل برای مرید امید واری آنها اخذ و افتتاح نوشته و نشر دادند. حسین که کن هم بواسطه اخلاسی که از ایام دریابگی با مصباح داشته باضراف عباسی آمده و چنین شیوع دارد که بعد از ملاقات اسدالله خان کلانتر سابق شمیرات که آنها در تحصن است جور و قوی دل گردد. باری منور یا سوز و الارتم آمدند قوتل تا این از حکومت خواسته حکومت هم کاملاً تا این دادند

در شب یکشنبه ۲۸ حسین وارد نای بند شده با دوستان نفر اتباع خود صبح آن روز حکومت بقوتل نوشت مجدداً هرکار برج خواجه نخلیه از کاشتگان مصباح نشود بقوه قریه نخلیه باشد. برج را نخلیه کردند از بابت اساس شهر حکومت آسوده شده و نظیر آن روز تفنگچیان حکومت بریاست زار حسن عبدالله و زائر حسین حیدر و چند نفر دیگر از روساء تنگستان و شیخ سیف الله خان چاه کوتاهی و قبه محمد علی دشتی و بکراده توب همت سات میری بریاست خان سرمانک به نای بند بردند بند از دو ساعت بخاره حسین با وجودی که مواقع مهمه دردست داشته آن مواقع را از دست گذاشته به علت نبودن فشنگ و آذوقه و اتل چهار نفر از معارف اتباع خود همه اسباب خود را گذارده رو بفرار نهاد و بدون درنگ مستقیماً بسپه و خاک فارس رفت.

دو ساعت بعد از این مقدمه سولجر و توب از یاسوز و الارتم پیاده کردند و در مشرق و مغرب و شمال شر استقرار دادند. و در مدد بودند یا هیئت نظام وارد شده حکومت و خلق را مرعوب سازند. دست طبیعت دریا را متلثم و چنان موج کرده که چند جانبیوت سرنگون و همه سولجرها یا عور و برهنه شده و خود را

اصلاح کرده که مسبو یاز مامور جاه بهار و از عباسی برود. بعد از این مقدمه مدیر گمرکات عباسی مصباح را به مظاهرات معین التجار اخلاص کنند. محسوب داشته و از نتایج راپرت مدر روز یکشنبه برس پلیس از پوشش وانکه وارد مصادف یا سوم جادی الاول بود و حاج علی کرم خان شجاع نظام رئیس توپچیان بوالوردی با یک عده تفنگچیان تنگستانی برای حکومت عباسی وارد گردیده چون کمان می نمودند مصباح دیوان مخالفت کند و دارالحکومه را بتصرف نهد شب و روز شب را برس پلیس در جزیره هرگز نگاه داشته و شهرت افکندند موقرالذوله شخصاً با برس پلیس آمده. مصباح دیوان همان روز شب دار الحکومه را تخلیه و بقونسول خانه انگلیس رفت. اسباب اساسیه دار الحکومه یا مهر و اوراق دولتی را هم با خود برد نجار و کسبه هم آفیس و دکان خود بستند و به آنجا رفتند و بیست و سه روز معتکف بودند و قونسول هم هر روزه وعده استقرار و استقلال مصباح به آنها داده و آنها مستظهر شده بر اصرار خود افزودند. هر موقع کسبه خواستند بر سر کار خود روند مورد تهدید مصباح و متنفذین عباسی گردیدند رؤساء دوایر دولتی از کار گذاری و تلگراف خانه و پستخانه هم با آنها یا بیول مصباح همراهی داشته و حکومت جدید را به حکومت نشناختند و قونسول هم موقع ملاقات به حکومت نداده و برج خواجه را که محافظ آب مشروب عباسی است کاشتگان مصباح بنصرف حکومت نداده از فرط مسامت حکومت جری شدند. بدوا داروغه را نزد خود برده بدستیارش دکان مزدو برده صد و شصت تومان تخواه بردند. بعد از این مقدمه قونسول به حکومت نوشته برای من ممکن نیست تحمل خسارت تبعه خود کنم برای امنیت شهر و اسکات ناس صلاح ایست که شما با تفنگچیان خود معاودت به برس پلیس کنید. حکومت هم محافظت شهر را به تنگچیان خود سپرده دیگر دست برد نقطه دیگر ممکن نگردیده از این خصوص پانه مقلوع شده حکومت نخلیه برج خواجه را خواسته جواب ندادند. اساسیه و مهر و اوراق دولتی را خواسته نداده تا بحال هم نداده اند. قونسول هم در مراسلات خود در قسمت باری

۴	۵	۲	سید مرتضی صاحب ایرانی	پدرب زده و بکناره رسانیدند و دو نفر از آنها
			روپه آه باؤ	هلاک شده و اسباب و اسلحه زیاد از آنها بدربا
		۲	میرزا سهراب بیگ	رفت ، هرگاه آقا ابراهیم گله داری نبود تلفاتشان
		۲	سید قاسم علی صاحب دارالکتاب	بیشتر از این ها بود در موقهیکه قونسل حکومت
			میرزا محمد حسن صاحب	را از خیال خود اعلان کرده حکومت جواب داده
		۴	علاوه بیانات	بند از این قبیح و فرار اشراک مناسب این گونه
			آقا مهدی محمد اسمعیل صاحب	اقتضات نیست و من راضی نمی شوم .
		۱۰	هوتل والا	خلاصه بعد از دو روز
		۱۰	میر صادق علی صاحب میر	(چرا آمدی و چرا میروی)
		۲	داور علی خان صاحب جاگیر دار	گفتند و معسر عباسی را موقتا وداع نمودند ، از
		۱۰	میرزا علی جعفر صاحب منبصار	قتون دواتی سعید جاه کوتاهی و محمد زمان دشتی
		۲	ایرانی گای	مقتول و شیخ سیف الله خان پسر شیخ ناصرخان
		۱۰	میر ضحانت علی صاحب صدر امین	چه کوتاهی مجروح گردیده . دگر (اسمیت) دگر
		۱	محمد حبیب الله صاحب ملازم آبیانی	قرائض که موظف دولت ایران و از قرار مسوع
۶	۱	۱	از صندوق نمبر ۳۵	از انقضای صلیب اجرائد برای معالجه شیخ سیف الله
۸	۷		پادشاه بیگم صاحب	حق خواستند امتناع و مضایقه کرده و خط قونسل
		۴	میرزا محمد تقی صاحب امین سنان	سند حکومت است که نوشته رفع کسالتشان شده
		۱	فاعل الحبر بتوسط سید حسن صاحب	محدود نخواهد بود خواهد آمد و نیاید - خلاصه مقتولین
		۳	همشیره سید محمد علی صاحب	اشراک بیشتر از چهار نفر مشاهده بقتاد بعد از
		۵	صدر الشعرا علی فیاض	روز این کتایت و فتح و لیانت انتخاب شخص در
		۱	حاجی قربان حسین صاحب	هقامت ندامت و اصلاح بحکومت جدید خود برآمدند
		۲	یک همدرد بذریعه محمد مهدی صاحب	لیکن هنوز مصباح و چند آدم در قونسل خانه مقیم و
		۳	محمد ابوالقاسم صاحب	بتوانید منتهی ایرانی قونسلگری امیدوار بیشتر از
		۴	عبد الحق صاحب	تفککچیان خود را هم مرخص کرده و روسای
		۸	سید عبد الشید صاحب دهلوی	دوایردولتی هم از قطع مرادوده باحکومت خوشنودند .
			مولوی سید زین العابدین صاحب	اعلان روز مولود جارج نجم که مانند اعیاد سابقه
		۵	تحصیلدار	مرسوم بود بحکومت خبر دهند خبر نداده فقط به
			اهلیه سید اصغر حسین صاحب	حجر گذاری خبر داده اند و روز عید را هم برای
		۱	مرحوم	اینکه با حکومت ملاقات نشود قونسل کسالت داشته
		۵	سید عباس صاحب دارالکتاب	اند . بسیار مناسب است که اداره روتر از مخبر
		۳	سید محمد مهدی صاحب	خود مواخذه کند و بگوید [چراغ کذب را نبود
		۱	ح ب ذریعه سید محمد مهدی صاحب	فروغی]
		۱	ب ب ایضاً	شعبه الحین هلال احمر در حیدر آباد دکن
			ج - ب ذریعه سید محمد مهدی	(فهرست معاونین)
		۴	صاحب	روپه آه باؤ
		۸	سید نصیرالدین صاحب دارالشفاء	محمد جعفر طالب افندی صاحب ۲۰
		۳	ن - سید محمد مهدی صاحب	کدیران مومنین امیرجان و نظیرجان ۵۳ ۲
		۱	ش - ب :: ::	بنده خدا بذریعه سید حسن صاحب ۲۰

روپہ آنہ پائی

	جناب محمد نواز اللہ صاحب
۴	رسید نمبر ۱۳
۸	۱۰ (م) بیگم کتاب نمبر ۱۳
۴	مستر منو میدان صاحب
۲	معززہ بی بی
۶	۴ خاتون از محلہ کاجی گورہ
۴	میرزا محمد حسین نمازی
۴	مستر ولہ بابا
۳	سایمان خاتون
۳	اہلیہ میرزا سجاد حسین صاحب
۸	مولوی محمد محی الدین خان صاحب
۸	میرزا محمد مہدی صاحب
۸	انور بیگم دختر واحد صاحب
۸	مولوی محمد عبداللہ صاحب
۸	عبدالرحمن صاحب منشی مدیرکل استور
	از کتاب نمبر ۵ بذریعہ سید
۴	حسین صاحب
۱	مولوی محمد قاسم صاحب وکیل
۵	محمد خان صاحب امین کوتوالی
۱	میر سلطان علی صاحب منصب دار
۵	سید زین العابدین صاحب جاگیردار
۱	سید جاند صاحب
۱	آقا سید مصوم صاحب
۵	نواب فطرت جنک بہادر
۲	آقا میرزا سہراب بیک قصوم
۳۰	یوسف سیت صاحب
۱	راگاری بیدی صاحب
۱	سید قایق حسین صاحب درنگل
۵	محمد عثمان صاحب
۵	محمد عمر صاحب
۸	سید ابراہیم بن سید ابوبکر
	نواب حسن الدین خان صاحب
۱	جاگیر دار
۱	معین الدین خان صاحب
۱	سید زین العابدین صاحب
۵	تحصیلدار
۱	نوسنگ راو پیشکار تحصیلدار
۱	بابو راو صاحب وکیل

روپہ آنہ پائی

	محمد رشید احمد صاحب
۱	سید ہادی علی صاحب
	میر مظہر علی صاحب و میر
۲	مصطفی صاحب
۱۰	میر مہدی علی صاحب میر انتظامی
۸	۲ آقا محمد علی صاحب نمازی
	۵ مولوی حکیم سید علی صاحب وکیل
۴	سید دوستدار علی صاحب
۸	مشرق بتوسط آقا عبدالحسین صاحب
۸	دو بی بی
۴	سعادت علی صاحب
۱	لکنت امیر سلطان صاحب
۱	مولوی انوار الدین صاحب بہادر
۸	بیک ہمدرد
	ب - د - ن - علی بتوسط
۲۵	حجر افندی
	حاجی عبدالحسین صاحب
۵	جای فروش
	بی بی صاحبہ بتوسط حاجی
۳	عبدالحسین صاحب
۱	مولوی نلام غوث صاحب
۱	میر سعادت علی صاحب
۱	مولوی سید ظالم صاحب
۱	مولوی عبدالرحمن
۱	مولوی نظام الدین
۵	مہر علی صاحب انجیر
۱	نواب محمد قربانعلی خان صاحب
	پندہ خدا بتوسط آقا عبدالحسین
۲	صاحب
۱	مولوی میرزا صندر حسین صاحب
۲	آقا میرزا سہراب بیک
۳	میر اسحاق علی صاحب صدر امین
	مولوی خواجہ محی الدین صاحب
۲	وکیل
۱	حاجی بتوسط مہدی علی صاحب
	۲ قیمت دو جلد کتاب عطیہ سید
۱	عبداللطیف صاحب

وارد شده گردید و سعی دارد که حکومت هند را موقع مداخلت دهد در موضوع دو فرزندان وی که اعلیحضرت امیر درکابل گرفتارشان فرموده است جهاندارخان شخصی است لایق و با نفوذ و دارای اثرات نامی در اهالی سرحد و یک فرزند او تا کنون در خوست است حصه که در این بلوچیه گرفته معلوم نیست و این هم ثابت نگردیده که شرایط جنرال عبدالعزیز که در خصوص اطاعت بلوایان خوست نموده شامل حال او خواهد بود یا خیر وقایع سگار پابیر خبر یافته که اعلیحضرت امیر جهاندار خان را اطلاع داده که در عرصه یک ماه باید به افغانستان عودت نماید ورنه املاک او ضبط و فرزندان را گرفتار خواهند نمود . جهاندار خان وقتی که از بازده روز باین صرف دید که قبايل با قشون افغان از روی داکتری مقابله نمی نمایند عقلمندانۀ بخاک انگلیس مراجعه نمود اما وقتن و وقتن به افغانستان بسته بمید خودش است مشأراً الیه در دایفه غلزی با کمال امنیت میتواند قیام نماید ولی چون شخص با نروت است ممکن است که مجدداً برای ترویج امور تجارتي خود برود چه تعلق زیان به کاروانهای پابنده دارد

تلگرافات مهمه

§ در موقع بذبرانی و استقبال عید مولود اعلیحضرت جارج پنجم که رئیس الوزرا و بسیار از خاندان سلطنت موجود بودند سه نوبت زنان حقوق طلب بریس الوزرا حمله نموده با بادزن بصورت وی زده شمه جبهه او را هم کنده اند

نی مجلس وزرا موسیو بویسکر در موقعیکه بحث بمعاملات خارجه می نمود اظهار داشت که روابط دوستانه و تعلقات ما با المان بر قرار است و اتحاد و دوستی مان بدولتین روس و انگلیس بشمی است که تا امروز نبوده با اتحادیکه بین ما و روس و انگلیس قائم شده در تمام کره زمین مورث امنیت و مسالت گردیده است آنچه را اخبارات من باب اتحاد سوق عسکری انگلیس و فرانس نوشته اند موضوع بحث قرار داده اظهار داشت که ملتین فرانس و انگلیس کاملاً مؤید این عقیده می باشند

نی شهر جولائی امپراطورین روس و آلمان ملای خواهند گردید و در این ملاقات رئیس الوزرای

رویه آه بان

۱	وامچندر راو صاحب
۱	نوسلو صاحب
۱	وامراو صاحب
۱	انتیا مآور صاحب
۱	محمد خیرالدین صاحب صیفه دار
۱	پهوم دیدی صاحب
۱	گنگاریدی صاحب
۱	هامت راو گویند راو صاحب
۱	وگناو لیتنا
۱	راجا رام
۵	مولوی سید علی رضا صاحب برای
۵	میر محمد تقی صاحب ایل سی ای
۱۰	میر مهدی علی صاحب
۴	سید رضا حسین
۴	مهدی علی صاحب
۱۲	فضل حسین صاحب
۹	سلام رسول خان صاحب
۱۰	مولوی میر احمد علی واکبر حسین
۸	محمد تقی صاحب امین
۸	میر احمد علی صاحب قبله
۵	محمد علی وغیره
۳	سید بسین علی
۸	سید محمد
۸	مولوی سید حسن
۸	رشا علی خان صاحب
۷	سید شمیر الحسین
۱	سعادت علی
۴	سید نقر صاحب
۴	سید کاظم حسین
	بابت زاید رقم داخل شده
۱۰	از کتاب نمبر ۳

اتحاد بلوای افغانستان

صافی ملا و سایر علمای افغانستان در خوست موجود و سعی اند که اهالی را بدرجه کمال بفرسند که مجدداً بنوا و انقلابی برپا نه نمایند ولی همچو تصور میشود که استدامه این امنیت و این مسالت مشکوک است . جهاندار خان غلزی از خوست

آلمات داکتر پیکلین هتالوک هم شمولیت
خواهد داشت

در مانچستر اظهار شده است که در فن کیمیاوی
انگلیسان از آلمان تجاوز نموده اند چنانچه بتازگی
پی برده اند بساختن ربر (کیش) مصنوعی

در رئیس الوزرای چین فراراً به (پلینتسن) رفته
رئیس جمهوری دو نفر از خواص خویش را برای
بازگردانیدن او فرستاده منظور نه نموده است
در کابینه وزیرایی چین موفق به استقراض سه
میلیون سکه تیل شده موجب پس افتاده قشون
پرداخته آمد

در برای ساختن ربر (کیش) مصنوعی یک کپانی
در لندن تشکیل شده است

در زمان حقوق طلب بر مسز جارج لاید حمله
نموده کوشش نمودند کلاه وی را بر بایند که چرا
آسانی در مسوده قانون حقوق نسوان نمی نماید

در مجلس دومای روس مسوده قانونی را زیر تجویز
قرار داده که در عرصه پنج سال یک صد ویست
میلیون لیرا مصارف تجدید قوای بحری روس بشود
و این مصارف هنگفت بدون قرضه جدید انجام
خواهد یافت و گفته میشود که در دریای بالتیک
دولت روس مرکز جدید بحری تشکیل خواهد داد
و تا ۱۹۲۳ هتاد میلیون لیرا مصارف مرکز بحری
خواهد شد سوئورگ را مرکز درجه دوم قرار
خواهند داد رئیس حزب آزادی حواعتان اظهار
داشت که این مسلک روس مسلک فاتحانه است

مسز مانیکو اظهار تاسف نموده که از بیانات
وی در خصوص مسلمانان مشرقی بنگال عموم مسلمانان
هند را بدگمانی پیش آمده ، من این امر را تسلیم
نمایم که مسلمانان را جوش مذهبی سبب اتحاد قومی
گردیده است و تباین جغرافیائی و تبعاعد قومی
هیچگونه خللی در ارکان اتحاد مذهبی آنها نتواند
انهازد - تاریخ هند می نمایاند دمه داری حاکم
حکومت انگلیسیه را در هندوستان که مسلمانان

اعتبار خودشان را از سلطنت انگلیسیه مرتفع ندارند
در خصوص مرا کو بین فرانس و اسپانی
بجیدگیهای تازه پیدا شده است

وزیر نلیات چین هم از یکن فرار نموده است
تذکرات راجعه به عثمانی

دولت ایتالی اردوی جدیدی در شصت میلی
طرابلس برام پوشفا وارد نمود

ضمس بمی خبر یافته که جبهاز ایتالی بندر
خوخا را که یک روز راه تا بندر مخا است بمباردمان
نموده و جنان گفته می شود که خیلی از عمارت
و خانهها را بر باد و جوی را هم مقتول ساخته است
ایتالی یک کشتی ملو قشون به ساحل روانه نموده که
یک کشتی آذوقه را قبضه نماید اعراب نواح خوخا
شلیک به جبهاز موصوف کرده دو سه نفر ایتالی
را مقتول ساخته عاقبت در فرود آوردن ارزاق
از کشتی مذکور کامیاب گردیدند گفته میشود که
ایتالی خوخا را هم محاصره خواهد نمود باین برانه
که ازین جا بمنوعات جنگ ممکن است وارد گردد
چون هزار نفر ایتالی از اسلامبول اخراج بند
شده اند و آنچه از اسلامبول تا امروز خرج
نموده اند ده هزار نفر بوده است

افواهی که من باب حرکت برخی اعراب و
سائر مسلمانان بجایه ترکات افتاده بود آنچه محقق
شده مقرون بصواب نبوده است

دولت ایتالی حکم داده است که هر قدر
راهبات و دکترینان و فقیران و بنیان رعایای ایتالی
بر خاک عثمانی اند عودت به ایتالی کنند جناس
تصور میشود که بر حسب این هدایات دولت
ایتالی برخلاف عثمانی اقدامات شدید خواهد نمود

تذکرات راجعه به ایران

در روز نامه ایکالومست در خصوص راه آهن
ماورای ایران مقاله انتشار یافته راه آهن موصوف
را خیلی نا پسندیده و خطرناک نگاشته است محرو

مقاله را عقیده این است که این تجویز از صحنه کاغذ و بیانی های ابتدائی تجاوز نخواهد نمود وقایع نگار قشونی ضمن می و بسد که تجویز راه آهن ماورای ایران خیلی خطرناک و کاست می کند که این تجویز اگر بموقع عمل آید محافظه هندوستان را تبدیلات عظیمه پیش خواهد آمد و شکایت می نمایند که در خصوص چنین راه آهنی نه از اداره مرکزی حاکمی لندن و هند و نه از افسران قشونی و نه از کابینه مستحفظ هند هیچگونه مشوره نگرفته اند

در عوض فوج غیر هنت و اجیوت که در خلیج فارس مشغول خدمت اند فوج غیر دوم و اجیوت بین اکتوبر و نومبر خواهد رفت و بازدهم نومبر دسته قشون از شیراز عودت خواهد کرد

بر حسب تلگرافاتی که بقونصل جنرال ایران مقیم سمنه رسیده سالارالدوله پس از آن شکست بین معلوم نیست به کجا فرار نموده است داؤد خان رئیس ایل کاکهر که دست قوی سالارالدوله بود در جنگ بقتل رسید و کشته شدن آن انقلابات جدیدی در آن صحنات پیدا نخواهد کرد شاعراده فرمانفرما حکمران کرمانشاه نده . امنیت و انتظام همه در آن نواح داده است پس از اینکه صوالهالدوله از ایل قشقائی بیرون شد ضمیمهالدوله کاملاً انتظام ایل را می نماید

میجر پطرسن رئیس زندارمی مناب مقابله که با یک فرقه قوی پیش آمده بود و اخبارات غیر صحیح در این جا اشاعه یافته چنین راجورت میدهد که دو مورچه خوار و قهقهه از شیراز بازمی گشت جوی سواران را دید که از اموال مردم قباذاری میگیرند و هرکس ابا و ابتناع می نمود اموال او را ضبط میکردند . میجر موصوف چون این جماعت را از خرف دولت مامور چنین امری نیافت آنها را گرفتار ساخت این خبر به حیدر علی خان که رئیس این سواران بود رسید و اعززه او در آنجا جمع شده مطالبه رهائی شان را نمودند میجر موصوف امتناع ورزید تا قیامت کار بزد و خورد انجامید چنین

نهر مجروح شدند يك از اعززه حیدرخان مقتول و یکی از پسران وی سخت مجروح آمدند ولی احدی از طرف میجر پطرسن مجروح نگردد مشارالیه با امنیت وارد طهران شده . صورت واقعه را بوزیر داخله اظهار داشته است

بدر عباس نسبت بقتل آرام هیچگونه خبری از حسین کله کن که سبب انتشارش موحوده شده بود نرسیده . حاکمران خلیج فارس در امنیت کاملاً ساعی است

برنس میرزا محمد علیخان علاء السلطنه بمسئله وزارت خارجه ایران بر قرار آمدند

علاء السلطنه از رجال قدیم است که هشتاد مراحل زندگانی را با نیکنامی طی نموده بدو اختیار قونسلگری هندوستان و از آن بعد باموریت های دیگر ارتقا یافته چفته بانزده سال وزیر مختار دولت علیه در لندن بودند و دو نوبت هم بشارت فوق العاده یکی در موقع تاجگذاری ادورد هفتم و دیگری تاجگذاری جارج پنجم رفتند چند مرتبه بوزارت خارجه ایران نیز و نیز بوزارت معارف منتخب آمدند

علاء السلطنه دارای چهار فرزند است که سه از آن تعلیم و تربیت در لندن یافته که منجمه آقا میرزا مهدی خان مشیرالملک وزیر مختار کنونی ایران در لندن است . علاء السلطنه مردیست بخته و بانجربه و از رجالی است که تا کنون هزاره سیرش بطرف ارتقاء بوده و هیچگاه از عهد خویش نزل نکرده و دامانش ملوث به برخی شبهات نشده . فقط چیزی که در وزارت خارجه ایشان مورد توجه است همانا لبر سن است و پس ، ولی اگر بدقت ننگریم وزارت خارجه آنها مانند ایران مردمانی مجرب کهن سال در کار دارد . امیدواریم که جناب علاء السلطنه نوعی در این وزارت رفتار نمایند که خرابی های اسلاف تعمیر شود . ولی این در صورتی ممکن است که کابینه از هیئت متجانسه داده شود

کبابان وقت اهواز تمام انتظامات خود را تکمیل نمود و عنقریب در بمبئی مرکزی که گنجایش پانصد هزار صندوق داشته باشد خواهد گرفت و امید می رود که نفت کبابی در هندوستان بنیمت عالی بفروش رود

جلد المین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴
HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

کلیه امور اداره نامدبر
کل مؤیدالاسلام است
هر دوشنبه طبع
به تنه توزیع میشود
بوم دوشنبه

۱۵ رجب ۱۳۳۰ هجری
مصادف با

۱ جولائی ۱۹۱۲ میلادی

و کلام حق اخذ ابوابه بدون قبض ندارند و وقتی که
(مشارکتین را قبض مخصوص حال نوزدهم در دست نهاد)
(ذمه شان بری شناخته نمیشود)

ناه مقدس

حیات

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

قیمت اشتراک

سالانه — شش ماهه
هند و برمه

۱۲ روپه — ۷ روپه
ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران
عمانی و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی
اروپا و چین

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

حیات مسلمانان هند

(در وقعه اسلام سوز مشهد)

متوالیاً در هر شهر و قصبه حتی دهات مسلمانان
بر مخالفت حرکت اسلام سوزانه روس در مشهد
مقدس و هتک احرام روضه وضویه (ع) مجالس منعقد
و اظهار نفرت میبایند مجدداً در کلکتہ هم در نقاط
چندکه منجمه میجووا بازار باشد مجلس بسیار عظیم
الشانی منعقد و نطقهای آتشین داده و مواد چند از
از اکثریت آرا گزراینند. مدراس هم بریاست
نوبل نواب سید محمد مجلس بسیار مطلقاً منعقد و تأیید
نموده اند مواد را که انجمن معین الاسلام کلکتہ پیش
نموده بود همین قسم در لاهور، الہ آباد، بنارس،
وہ و، و مجالس عدیده شده نطقهای بلیغ داده و همه
روزه نیز مجالس میشود در این جا از اظهار دو نکتہ
ماجاہد اولاً آنکہ دولت فخریمہ انگلیسہ و حکومت
هند باید بداند کہ امروزہ اتحاد اسلام رک و ریشہ
فرد فرد مسلمانانرا احاطہ کردہ سیاه و سفید شرقی
و غربی در موضوع اسلام متحد و ہمدرد با یکدیگر
اند و هر گاہ دولت فخریمہ انگلیسہ مراعات حفظ
حقوق مسلمانان را ننماید و ملاحظہ نزاکت سیاسی
و نجش عمدہ و طایب خویش یعنی سید ملیون مسلمانان
را بہ پسندد قطعاً بجای فتح زیان خواهد برد دولت
انگلیس باید از بیان (مسترماتیکو) کہ پس از انکار اقرار
نمود کہ مسلمانان ہمدرد یکدیگر بلکه عنصر واحد
بماند عبرت گرفتن پیش ازین در موقع حق تلقی

اسلامیان اعراض را روا ندارد و این نکتہ خیلی
قابل دقت است کہ هفتاد ملیون نفوس اسلامیہ
هند حیثیت و مقام بلکه قدر و منزلت و حشمتشان
بالاتر است از یکمشت بشگالیان کہ دولت انگلیس
به آن علنی رعایت از آنها نمود — خوف آلت کہ
اگر مسلمانان از دولت متبوعہ خود مابوس شوند
پیرامون اموری گردند کہ منافی با دولت خواهی
آنها شمرده آید، لذا دولت انگلیس و حکومت
هند راست کہ در خصوص طرابنس و مشهد پیش
از این نظر دقت فرمودہ فقط بہ ساعوی ظاہری
مسلمانان نگریستہ یقین نمایند کہ در آینده اگر
مسلمانان راہ نجائی نیابند سرباز زده راہ دیگر
خواهند پیود

(تحت این خاکسز سرد آتشی گرم است پنهان)
(غفلت از وی اندکی سوزد تر و خشک چهارا)

دوم آنکہ چنانچہ سابقاً نگاشته باز هم می
توانیم کہ مسئلہ خراسان را غیث بہ تبریز و گیلان
نتوان نمود و ما در این موضوع با قانین اسلامیہ هند
متفق نیستیم کہ ملامت و شہانت بلکه لعنت میبایند
رجال ککنوی ایران را، ما هرگز والا حضرت
ناصر الملک نایب السلطنہ را خارج از دیانت و در وقعہ
مشهد، قصر میدانیم، ما هیچگاہ بسازش صمصام السلطنہ
بختباری رئیس الوفا با روسیان قابل سواہم گردید
ما و فوق الدولہ کہ الان از وزارت خارجه خارج
شدہ قابل لعنت نمیشاریم، ما قوام السلطنہ وزیر داخلہ

خان دادند و گفتند باسم آنکه ما سلطان خود را می خواهیم که محمد علی میرزا باشد و حرکت کن یوسف خانرا هم متحصن مسجد قریب ارك دولت نمودند بوش و خیمه برپا نموده وحشی را اصراف خود از ترك های خارجه روسیه و قدری اشرار شهری بدوا جمع نموده و صدای زنده باد محمد علی شاه بلند نمودند

دارم عجب که از چه نبود اندران میان ضی ز روس یا تنی از تابعین آب ای روس کس مگر بتو آهنگ جنگ داشت یا آستانه لشکر و توپ و تفنگ داشت اشرار حیره خوار تو تعلیم از تو بود شیور و طین و اسلحه و سیم از تو بود اسب حنا به پیکر سلام تاخنی نرد دنا بمشت گر و کور باحتی با سنگ و چوب و آجر تو جنگ داشتی نسکی برای خویش مسلم گذاشتی

و برفی که سنجاق باشد نقش بر پرچه او نموده زنده باد محمد علی شاه قاجار که فساد های و هیا هو باند شد بجهت حمایت روس حکومت توانست او را خارج کنند لکن قونسل انگریز در مقام رفع این فساد برآمد ظامرا او را برد نمود و روانه طنجق مقدس جدیدش ساختند و علی الاتصال منات و بول و فننگ بجهت آب ها داده و استداد جماعت او را زیاد نمود و حناء عرش آدم خود را از قونساخانه مبرزستاد و بعضی اوقات مشهیدی آکر ضهرانی که مقصر و فراری از مهران بود و در تیان امر بگرفتن او نموده آب هم متحصن بتونسخانه روس ها بود روانه نمودند که محمد علی شاه را اگر استشهاده نوشته که متینان تمام او را بسطننت میخوانند بقانون فوری او را حرکت خواهم داد آنها يك ضاقه جهل واری دادند اولاً خود متحصنین و بعد باجبار بعضی ملتیان را که نوشتند و مهر نمودند علاوه صدقات و قزاق های روس را وارد مشهد مینمود اولاً شجاع الدوله حاکم قوچون تلگراف نمود تکلیف چیست در خصوص جلوگیری لشکر روس از مهران تلگراف شد از دولتیان که متحصن آنان نشوید و بعد از ورد هم منازل بانها داده مپهان داری نمائید

را سزا وار شانت و توبیخ مسلمانان نمی بنداریم درست است که سهل انگاری در وقعه خراسان از مرکز شده ولی کان نداریم که عمداً هیچ کاری برخلاف دینت کرده باشند لذا از قاندين محترم اسلامیه هندوستان خواهش می نمائیم که شانت و ملامت خودشانرا در حق آنان ترك نمایند و اگر سهوی هم از این ها صادر شده مو شان دارند .

مکتوب مشهد

تازه اعلانی اشاعه یافته که الزام به اهالی خراسان میدهد لازم آمد برای دفع الزام واقعات را تذکراً تکرار نمائیم فتنه روسیان در خراسان بر همین اختصار که بر تمام اسلامیان معلوم می باشد اولاً یوسف خان هزار را که حال او اظهر من الشمس و این من الامس است مقصر دولت و ملت و خاقان و فتنه جو که هم خلايق مطلع بوده اند و اخبار وایس روسها فراری و عمر روزی متحصن و مجانی پناه آورده غایت چندی قبل باستانه مبارکه رضویه آمده و از طرف حکومت و تولیت سابق امر شد که او را در محبس آستانه حبس و توقیف نمایند چون حین تحصنش بستانه بامر محضیه جنرال قونسول روس در مدرسه میرزا جمرکه واقع در محس عتیق است در حجره و اطاق دلاب ترك قفقازها که رعیت روس میباشند متحصن بود دلاب ترکیه قفقازی مانع از گرفتن یوسف خان شد تولیت آن زمان که جناب صدر الممالک بود امر نمود بجماعت خدام و فراشان و دربانان آستانه مبارکه که بروند یوسف خان گرفته ببرند بمحبس آستانه که استطاق از جهت محرك او شده مجازات شود فوری قونسول روس مطلع شده یکصد قبضه تفنگ ته بر بافتننگ فرستاده و نده هم از ترکهای کاریجی بکمک دلاب ترك و یوسف خان فرستاد قدری در ب مدرسه زمو خورد بین دربان و دلاب و خدام شده فوری حکومت تولیت را از گرفتن یوسف خان منع نمود اهالی آستانه مشاهده نمودند باعث فتنه بزرگ خواهد شد صرف نظر نمودند پس از چندی او را قونسل خانه خود شان برده بنساخته دادند و در این مدت چند ماهه مساعداتی با او نمودند و دستورالعملی باو داده تا زمانی که محمد علی میرزا سلطنت مخلوع را بجهت انجام مقاصد خود باسزباد وارد نمودند آنوقت قدری بول پیوسف

لذا این جماعت لشکر روس با اجلال و کبر و افتخاری وارد میشدند. بعد از دروازه بالاخیابان هر دسته که وارد میشدند هشت و شش از آن توپ قلعه کوبی و شربل و کربهای اسلحه وارد میکردند و صداها توهم انداخته که زنده باد نیکولای امپراتور - زنده باد محمد علی علاوه مدت هشت به سال است متصل اسلحه حریه ر توپ مسلسل و کاریهای تفنگ و فشنگ دارد. مشهد میباید احدی ملاحظه خواطر خواهی دولت روس مانع از سرحدات و باجگیران و کمرکات ایرانی نمیشد خصوصاً این سه چهار ساله اخیر در ملاء با کاری وارد بانک استقرای روس که در بازار قریب باستانه مبارکه میباشد می نمود علاوه چهار عراده توپ قلعه کوبی در کوه معجون یک فرسخی شهر که مسلط بر تمام جاهای شهر مشهد است سوار نمود دهنه توپ به طرف شهر و اطراف شهر را هم توپ نصب و سوار نمود از هر سمت و احدی از دولتیت اعتراض نمیکردند که با که جنک دارید و طرف شما کیست که منع و جلوگیری نماید و از طهران هم توصیه و سفارش ترضیه قلب مهابات متصل تلگراف می آمد خلاصه مشاهده نمودند مملکتی است در کمال امنیت و سکونت و خلق فقیری و تسلیم بر نوع غمخواران نباید تمکین دارند لهذا مقصود خود با این جمعی اشرار که در محن میباشد نتواند رسید امر نمود و رساید بحضرات ترکهای قفقازی که اغلب آنها فراری و قاچاق وارد ایران شده بودند و اشرار بودند که شها بروند با تودیات و تنابها بدکابین و خانه های مسلمان خصوصاً آقابان و رؤسا مملکت و اموال آنها را برده بلکه و عده بقتل میدادند و اموال آنها را در کاری میبردند هرج و مرج ظاهر شد و امنیت از سکنه رفت و سپس حکم نمود و اعلان داد که هر کس مستحفظ خانه و اموال خود باشد لذا هر کس بقدر قوه و استعداد ولو فروش اساس ایست بود آلات حریه خصوصاً تفنگ و فشنگ خرید و اگر داشت ظاهر نمود هر شب چندین هزار فشنگ و صدای تفنگ از جیب خانه های مشهد بلند میشد که زنان و اطال

خانقا و ترسان و مردان امید به حیثیات خود نداشتند و کسی خواب نمیرفت باز هم ملاحظه مقصود و فرض فتنه جوئی خود قونسل تجار و کسبه قفقازی را محرك شد که در قونسلخانه روس متحصص شوند که تا مین میخواستیم آنوقت به حکومت سخت گرفت یا آنکه تا مین بده مملکت را خصوصاً اموال خارجه را و یا واگذار کن با تا شهر را این کنیم حکومت هم بطهران تلگراف نمود جواب از مرکز آمد که از حکومت معاف هستید و شهر را بحضرات روسها و قونسول واگذار آن بدیخت هم حساب الامر واگذار نمود پس از آنکه امر راجع بخود او شد اعلانی نوشت و در معارف جیباید که هر که آلت حریه و تفنگ دارد در ظرف مدت ده روز بیاورد بقونسلخانه روس بسپارد و قبض بگیرد و هر کس بیاورد پس از مدت ده روز منتش میترسم در خانه ها اگر درخانه تفنگ یا شش تولی بیرون آید اموال خانه و تاراج و صاحب خانه مجازات سخت خواهد شد بی چاره مردم از یک طرف امر نموده مستحفظ خانه های خود باشید هر کدام بقدر قوه تحصیل اسلحه نموده اند عجب امور آنست که جمیع اطراف شهر را توپ و سالدات و قزاق فرستاد و یک طرف را بجهت اشرار متحصنین تعیین باز گذارده و آنها را فرار داده که یکتتر از اشرار کشته نشده است و جمیعاً فرار نموده اند و مردم بی گناه را شهید نمود

بالجمله از خوف و ترس هر کس آنچه حریه و اسلحه و تفنگ داشت بقونسلخانه تحویل داد پس از گرفتن تمام آلات حریه و اسلحه از اهالی آستانه و اهل بلد آنوقت سرباز و پلیس را امر نمود بیاید مواجب عقب افتاده خود را بگیرد و مشق کنید پس از حضوراً امر کرد تفنگ های خودتارا با فشنگ کرها تا با بگذارید آنها هم اطاعت نمودند پس از آن امر نمود که سالدات جلو آنها را گرفته تفنگ بروی آنها نگاه داشته آنوقت تفنگ آنها را ضبط نمود بعد فرستاد توبیخی ها را آورده حبس و توپ های ایرانی را نیز ضبط نمود و دوپه عراده توپها را جلو باغ خونی بطرف شهر سوار نمود پس از آنکه از هر جهت آورده خاطر شد

صالحات و قزاق خود را فرستاد اذراف آستانه را گرفتند و بدون اذن بالای خانه و عمارات مردم رفته و توپ مسلسل سوار نموده با قزاق و صالحات در جمیع شهر در خانه ها و کاروانسرا ها و مدرسه ها با توپ های مسلسل بر مردم کاشتند که راه عبور و مشرف شدن حرم و مسجد مسدود بود و در اطراف شهر و دروازه ها تا نیم فرسخی توپ سوار نمودند که احدی از خارج و داخل ممکن نبود عبور کند آنوقت دست بسته خلاصی بی قصیر و گناه و همه مطیع و فرمان بردار بساعت ده روز دهم ربیع الثانی توپ بست پستانه مبارکه و شاهد بر این احوال اینست که بکثر صالحات و قزاق کشته نشد و آلات حربیه را از تمام گرفته و مردم يك تفنگ داشتند که با او در فری شوند و زوار و مجاور و بی گناه و بی قصیر را در حالت عبادت و نماز شهید نمودند و تمام گنبد مظهر و عین و توس حرم محترم تا آنکه ضریح مقدس و قبر فرزند پانجم و ایوانهای مسجد و صحن و مناره ها و مؤذنها و سردرها را تمام خراب و مشیت و منهدم نمودند در چنین حالی و این وضع مردم خراسان چکند و چه قصیر دارند

تنگرانی راجعه ایران

سرادوردگری در جواب استروالترکسن و مسرتویل نگین در پارلمان اظهار داشت که من باب راه آهن روس و هند از رجال عمده جنگی انگلستان و هندوستان مشوره شده است ولی خلاف سیاست است که خیالات عمرمانه جنگی را اشاعه دهد و آخرین شرایطی که دولت انگلیس در این خصوص بناید مراعات و ملاحظه این خیالات را خواهد نمود و اکنون خیال صحیح مستقیمی در این باب نشده است - دولت انگلیس پس از مشوره با حکومت هند اظهار داشت که اگر منظوری برای تعمیر چنین راه آهنی داده شود منوط خواهد بود که شرایطی که حکومت هند پیش بناید قبول شود همیشه مخالفت راه آهن ماورای ایران را نمودن نه عملاً صحیح است و نه عقلانده گانه میشود

مراسله خوبی از سر ایالتان چرون در روزنامه صص من باب راه آهن ما و وای ایران اشاعه یافته

مذمت نموده است کسانی را که قبل از وقت مخالفت با این شبه راه آهن مینمایند ولی تسلیم نموده است که تا کنون رای موافقی در خصوص این راه آهن پیش نشده است ولی میگوید که تا دیر باز سلسله راه آهن هند و انگلستان مانع نمیشود تا حد امکان مقرون بصواب و صرفه نیست که چنین مساله مهمی را فقط بملاحظات دوستانه تصفیه نمایند

بلوای افغانستان

بر حسب خبریکه از کابل به قرم رسیده مناقشه خوشت کاملاً خاتمه پذیرفت تا کنون حکومت جدید تعیین شده افسر جنگی مامور به انتظام حکومت می باشند

اعلیحضرت امیر افغانستان حکم داده اند که کلیه اموال منقوله و غیر منقوله جهانبدار خان که بنام انگلیس بنا نهاده شده ضبط نمایند و تا وقتی که جهانبدار خان به افغانستان عودت نکند فرزند او را در کابل نگاه دارند سید شاه خان نایب سالار در در شنوار دفتر قشون را مرتب می نماید امیر حکم داده است کرنل ولی احمد خان از امان هزاره جاگ بندها شود و محمد سرور خان از کابل به اسار رود . وقایع انگار جلال آباد انگلشمین می نویسد که بر حسب اسرا میر رساله موسوم به نصایح نامه چه بر زبان فارسی و پشتو تبیع و بلاها داده شده است که عوامرا تلقین نمایند که فراضه ذمه آنان اطاعت سلطان اسلام است - سردار نصرالله خان حکمنامه به کرنل عبدالعزیز خان فرستاده که از امر مایه و فرقه دوفرریش سزیدان را جلب نموده در محاکم برای تصفیه امور آنها مهین نماید و برخی از روسای فرقه جدران و منگل را به کابل فرستند درخوست مخصوصاً صندوقی سر بهر در هر نقطه گذارده تا متظلمین شرایط خود را بحضور امیر بفرستند

کرنل عبدالعزیز خان مشغول است بملاقات روسای فرقه جدران منگل و حاکی و بیاری از از فرقه ها آمده باطاعت امیر قسم یاد کرده اند - قراولخانه ها که در این بلوا خراب شده بود از نو تعمیر میشد و خوبی بر است حکامات طاق می افزایند بیاری از قشون افغان را در آنجا فرستاده امیند مبرود که تماماً قبول اطاعت نمایند